

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۴۵ مرداد ۱۳۹۷

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی



زمان: اوائل ماه شهریور

مکان: کشتارگاه "اوین" در بند،

با صدای خشک و خشن بر پاشنه می چرخد. جمعی از پاسداران سپاهی با چکمه های خونینی پا به درون می گذارند. بند، یکباره در سکوت فرو می رود. نگاه های شعله ور و کینه بار زندانیان، رد پای گزندگان را دنبال می کنند، تا پاهایشان از رفتن باز می ایستند.

حالات و حرکات به بند کشندگان آزادی و نور، از برپایی قریب الوقوع ضیافت خون سخن می گوید، بی آنکه زبان فرزندان خلق به نجوا با یکدیگر باز شود و یا مرگ اوران لب به سخن بگشایند. پهلوانان در بند ناگفته می دانند که گرگها آمده اند تا برای جوخه های اعدام طعام بگیرند و برای ضحاک جماران، پیر پلید و شکست خورده تاریخ، کاسه ها خون پیشکش ببرند، تا عطشان خونخواهی اش را در نوشانوش خون پرندگان صلح و آزادی فرو نشانند. ادامه درص ۱۸

نظام حقوقی دریای خزر و پیچیدگی

ص ۱۹

های آن

نقش امپریالیسم آمریکا در کودتای 28 مرداد



از تاریخ باید آموخت به قول احمد کسروی: «بدبخت ملتی که تاریخ کشورش را نداند؛ شوربخت تر از آن ملتی که نخواهد تاریخ کشورش را بداند؛ تیره بخت تر از آن ملتی که تاریخ کشورش را به ریش خند بگیرد». در آستانه شصت و پنجمین سالگرد کودتای

28 مرداد قرار داریم. حال کشور ما خو نیست. بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عرصه را بر مردم بویژه زحمتکشانش تنگ کرده است. ادامه درص ۲

معلم لیک خاطره لری



بیر من قالدیم، بیر ده تاریخ ...

بهورز دولت آبادی (چای اوغلو)

۱۳۱۷- جی ایلین مهر آبی نین ۹-۱۰ تبریزین : چای قیراغی» محله سینده آنادان اولدوم. چوخ ساییلی بیر عائله ده، ۱۱۳ اوشاق، من دوققوزونجو اوشاق ایدیم. ایندی بو چوخ ساییلی عائله دن بیر من قالمیشام، بیر ده کیچیک باجیم. ادامه درص ۱۶

نقلاب مشروطیت نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران



جنبش مشروطیت بدون شك از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ تحولات سیاسی ایران محسوب می شود. اثرات این رویداد در زندگی فرهنگی و سیاسی مردم، از سایر حوادثی که تا آن تاریخ در کشورمان پدید آمده بود، عمیق تر بوده است. شکی نیست که نارضایتی عمیق جامعه ایران در سالهای حکومت قاجار، ریشه اصلی اعتراضات مردمی علیه دولت و زمینه ساز شکل گیری نهضت مشروطیت بود. ادامه درص ۵

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

نقش امپریالیسم آمریکا...

و عدم شناخت کامل از قدرت ارتجاع جهانی و داخلی بسیاری از این احزاب را به اشتباه فاحش نسبت وا میداشت. همین مسئله باعث می شد تا نیروهای واپسگرا و عوامل بیگانه از فرصت پیش آمده سود جویند و به تشدد و تفرقه میان این احزاب دامن زنند. یکی از نمونه بارز آن تصور نادرست جبهه ملی برهبری دکتر مصدق از اهداف امپریالیسم آمریکا در منطقه بود. در حالیکه حزب توده ایران شناخت کاملی نسبت به اهداف توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا داشت و میدانست که آمریکا قصد دارد تا جای استعمار انگلیس را در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان پرکند، دکتر مصدق و یارانش تضاد منافع آمریکا و انگلیس را به حساب آزادیخواهی آمریکا می گذاشتند. این اشتباه بزرگ دکتر مصدق باعث شد تا نیروهای ترقیخواه او را غرب گرا تصور کنند. گرچه بعدها شناخت مصدق نسبت به امپریالیسم آمریکا و اهداف آن تصحیح شد. اما زمان کافی برای جبران آن باقی نمانده بود. آمریکا با همکاری انگلیس کودتای خونینی راه انداختند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون و آزادیخواهان را به خاک و خون کشید.

سالها پس از کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بحث بر سر چگونگی این رخ داد در میان نیروها و احزاب کشور ادامه داشت. گاهی تحلیل ها و برداشت های متفاوتی از شکل گیری کودتا و نقش عوامل داخلی و خارجی در ایجاد آن ارائه می شد. و گاهی نیز احزاب و سازمان ها تلاش می کردند تا یکدیگر را مسبب شکل گیری کودتا بدانند. تا اینکه بالاخره آمریکا پس از ۴۷ سال در خرداد ۱۳۷۹ مطابق با ژوئن سال ۲۰۰۰ اسناد دخالت مستقیم خود در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را منتشر نمود و رسماً به دخالت آشکار در امور داخلی ایران و طراحی کودتا با همکاری انگلیس اعتراف و اقرار نمود. انتشار این سند به بسیاری از تحلیل ها و بر داشت های نا دقیق پایان داد.

اسناد منتشر شده نشان میدهد نقشه آمریکا برای نفوذ بر ایران به سالهای خیلی قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر می گردد. در این اسناد آمده است: نخستین تماس آمریکایی ها با ایران در سال ۱۲۰۹ ه.ش مطابق با ۱۸۳۰ میلادی برقرار شد که بر اثر آن چند گروه از مبلغان مذهبی آمریکا با هدف تبلیغ آیین

در چنین شرایطی امپریالیسم آمریکا، این بار به رهبری ترامپ برای کشورما دندان تیز کرده است. آنها با توجه به اوضاع نا بسامان کشور که سیاست های مخرب رژیم راه گریزی برای ملت باقی نگذاشته است، بهترین فرصت را برای تسلیم این ملت بزرگ و یا پارچه پارچه کردن آن می دانند. این خطری است که یک بار دیگر کشور ما و ملت ما را تهدید می کند. باید از تاریخ درس گرفت. نباید یک لحظه به ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی امپریالیسم شک کرد. همانطور که نباید به ماهیت ارتجاع داخلی و شعارهای تو خالی آن تردید کرد.

بقول شاعر بزرگ کشورمان رودکی:

هرکه ناموخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد زهیچ آموزگار
ایران کشوری است پهناور، با تاریخی کهن و منابعی زیر
زمینی سرشار. که در یکی از حساسترین مناطق جهان قرار
گرفته است. همین ویژگی ها سبب شده است که همواره مورد
منازعه قدرت های بزرگ قرار گیرد. نقش مخرب امپراتوری
های انگلیس، روسیه تزاری، آلمان و آمریکا برای غارت و
چپاول کشور و به موازات آن یاری رساندن به ارتجاع داخلی
برای سرکوب جنبش های مردمی و آزادیخواه به حدی روشن
است که خود آنها به آن اذعان دارند. تاریخ دهه های اخیر
نشان میدهد، هر وقت مردم ایران فرصت یافته اند تا سرنوشت
خود را در دست گیرند، با هجوم همه جانبه غارتگران بین
المللی روبرو شده اند.

کی از حساسترین دوران تاریخی کشور، زمان پس از جنگ جهانی دوم است که با شکست فاشیسم هیتلری و پیروزی بسیاری از جنبش های آزادیخواه، چهره سیاسی جهان به سود مردم تغییرات جدی کرد. تاثیر این تحولات جهانی در کشورما نیز باعث شد تا رضا شاه مجبور به ترک کشور شود و آزادی های دمکراتیک نسبی بوجود آید. نیروهای مترقی، روشنفکران آزادیخواه و میهن پرست در صدد بر آمدن یک بار دیگر از این فرصت استفاده کرده، با تشکیل احزاب، جمعیت ها و تشکل های صنفی شرایط را برای تغییر و تحول سیاسی در کشور ایجاد کنند. بسیاری از احزاب نوبنیاد خود را برای جبران عقب ماندگی های اقتصادی و سیاسی و نهادینه کردن آزادی های دمکراتیک آماده می کردند. اما کم تجربگی

نامه ای به "روزولت" رئیس جمهوری آمریکا به گونه ای صریح منافع آمریکا در ایران رامطرح کرد و بعد از برشمردن دلایل حضور و نفوذ آمریکا در ایران برای خنثی کردن حضور قدرتمندانه انگلیس و روسیه تصریح کرد که به تبع منافع دراز مدت آمریکاست که در آن سوی سواحل خلیج فارس، در کشوری مانند ایران که در مقابل مجتمع نفتی مهم آمریکا در عربستان سعودی قرار گرفته است، قدرت بزرگی مستقر نشود.

از این زمان به بعد سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران بسیار فعال تر از گذشته شد و هیأت های متعدد آمریکایی روانه ایران شدند. این دوره سرآغاز رقابت انگلیس و آمریکا در مسائل مربوط به نفت ایران است. پایان دادن به اشغال نظامی ایران در پنجمین اجلاس متفقین در آذر ماه ۱۳۲۴ به تصویب رسید و خروج نیروهای روس و انگلیس از اسفند ماه همان سال آغاز شد. از سوی دیگر تحرکات آمریکا برای کوتاه کردن دست شوروی از ایران ابعاد وسیع تری یافت. در این چارچوب دو موضوع در دستور کار "ترومن" رئیس جمهوری آمریکا قرار گرفت. اول حمایت بین المللی از ایران برای خروج نیروهای شوروی از خاک ایران و دوم مقابله با خواسته های شوروی برای به دست آوردن امتیاز نفت شمال در ایران که سرآغاز جنگ سرد دانسته اند. از جریان اشغال ایران بوسیله شوروی دولت آمریکا روابط کاری نزدیک با محمدرضاشاه برقرار ساخت؛ این روابط سبب شد که آمریکا به تدریج به حامی بی قید و شرط حکومت استبدادی شاه مبدل گردد و در مقابل مردم ایران قرار گیرد. دولت آمریکا با دخالت مستقیم در امور داخلی ایران و ساماندهی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمینه های حاکمیت و سلطه همه جانبه خود بر مقدرات ایران را فراهم آورد. پس از کودتای ۲۸ مرداد موضوع ایران اهمیت ویژه ای در سیاست خارجی آمریکا یافت و رژیم پهلوی کاملاً تحت سلطه آمریکا قرار گرفت. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط سازمان های جاسوسی آمریکا و انگلیس طراحی شد و به اجرا درآمد شاه را مجدداً بر مسند قدرت نشانندند و عملاً به او فهماندند که عروسکی بیش نیست. سپس با استقرار حکومت کودتا همه دستاوردهای سیاسی نهضت ملی را یک شبه نابود ساختند و به سرکوب

مسیحیت به مناطق شمال غربی ایران آمدند. در سال ۱۸۵۱ م (۱۲۳۰ ه.ش) یعنی اوایل سلطنت ناصرالدین شاه اولین تماس رسمی میان دولت آمریکا با ایران برقرار گردید. روابط رسمی دیپلماتیک میان ایران و آمریکا در سال ۱۲۶۲ ه.ش (۱۸۸۳ م) برقرار گردید و دو کشور به تبادل سفیر اقدام نمودند. اولین سفیر آمریکا در ایران "ساموئل بنجامین" نام داشت که در ۱۴ فوریه ۱۸۸۳ به عنوان سفیر و کنسول اول آمریکا در ایران منصوب شد.

از سال ۱۲۶۲ تا ۱۳۳۲ عملکرد آمریکا به شدت تحت الشعاع نفوذ و سلطه روسیه و انگلیس قرار داشت. سیاست کلی آمریکا در این مدت بر محور ایجاد اعتماد و اثبات حسن نیت استوار بود. مشهورترین عناصر آمریکایی برای پیشبرد این سیاست در آن مقطع زمانی، "هوارد باسکرویل"، "ساموئل مارتین"، "جردن" و "لوئیس دریفوس" بودند. "هوارد باسکرویل" در تبریز با طرفداران نهضت مشروطه همکاری کرد و در سال ۱۹۰۹ در جریان مبارزات مشروطه خواهی کشته شد. آمریکاییها سعی کردند تا در تبلیغات خود او را همچون یک قهرمان ملی به افکار عمومی مردم ایران معرفی کنند. "ساموئل جردن" مدیریت دبیرستان آمریکاییها در تهران را بر عهده داشت و از سال ۱۳۲۴ به بعد مدیر کالج آمریکاییها در تهران شد. فعالیت و آموزش جوانان ایرانی و تربیت افراد مناسب برای فعالیتهای آینده آمریکا در ایران بود. "لوئیس دریفوس" در طول جنگ جهانی دوم از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳ وزیر مختار آمریکا در ایران بود. هدف عمده فعالیتهای او معرفی آمریکا به عنوان دوست مردم ایران و افزایش اعتماد مردم و دولتمردان ایران به آمریکا بود. این روند به گونه ای ادامه یافت که "میلیسپو" مستشار اقتصادی و مالی آمریکا به راحتی توانست در دستگاههای اقتصادی کشور نفوذ گسترده بیابد.

در ژانویه ۱۹۴۳ (دی ۱۳۲۱) وزارت خارجه آمریکا سیاست تعامل با ایران را تنظیم نمود. در سند محرمانه ای که به تصویب مقامهای طراز اول آمریکا رسید، بر حفظ تمامیت ارضی ایران تأکید شد و دخالت انگلیس و شوروی در ایران تقبیح گردید و بر افزایش نفوذ آمریکا در ایران پافشاری شد. "کوردن هان" وزیر خارجه آمریکا در تابستان سال ۱۳۲۲ در

1- حتی الامکان عملیات کودتا باید ظاهری کاملاً قانونی داشته باشد و در افکار عمومی نباید به صورت یک کودتای آشکار و تمام و کمال معرفی گردد.

2- افکار عمومی ایران باید در آستانه کودتا بر اساس جنگ روانی و تبلیغات حجیم علیه مصدق تحریک گردد.

3- سرلشکر "زاهدی" با حمایت آمریکا و انگلیس رهبری اجرای کودتا را بر عهده بگیرد و زمینه های لازم را برای سرکوب هرگونه واکنشی پس از انجام موفقیت آمیز کودتا فراهم آورد.

4- شاه باید نسبت به حمایت کامل آمریکا و انگلیس از کودتا کاملاً توجیه شود و از کمک های مالی آمریکا به حکومت خود پس از انجام کودتا مطمئن گردد.

5- شاه ایران باید مستقیماً در عملیات اجرایی کودتا درگیر شود و ضمن دادن تعهد، احکام مشخصی را صادر نماید که به واسطه آنها "مصدق" را از نخست وزیری عزل و سرلشکر "زاهدی" رابه نخست وزیری منصوب کند.

6- عوامل نفوذی در مطبوعات ایران و بخشهای فارسی رادیوهای خارجی بویژه رادیو بغداد نقش ویژه ای در تحریک افکار عمومی مردم ایران بر عهده خواهند داشت.

7- شعبه های امنیتی آمریکا و انگلیس در ایران طرح براندازی و انجام کودتا را با ایرانیانی که "زاهدی" معرفی می کند قبلاً مورد بازبینی و واریسی قرار دهند.

پس از توافق بر سر کلیات طرح کودتا در 9 ژوئن 1953 مطابق با 20 خرداد 1332 مسئولین دستگاههای امنیتی آمریکا و انگلیس و طراحان کودتا به مدت چهار روز در بیروت جلسات متعددی را برگزار نمودند. دستور کار آنها یکدست سازی عملیات و تعیین جزئیات بود. در این تاریخ طرح کودتای 28 مرداد 1332 تحت نام "آژاکس" عنوان گردید. سرانجام سند نهایی طرح براندازی و انجام کودتا علیه ملت ایران با جزئیات و مرور های مکرر تهیه گردید و توسط رهبران آمریکا و انگلیس امضا شد. پس از تصویب نهایی طرح توسط رئیس جمهوری آمریکا، نخست وزیر انگلیس، رئیس "C.I.A" و وزرای خارجه آمریکا و انگلیس، مقرر گردید که علاوه بر بودجه تصویب شده، دستگاههای امنیتی آمریکا و

ملت ایران مبادرت ورزیدند، مبارزین راه آزادی و استقلال کشور را دستگیر و اعدام کردند، به تثبیت سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مشغول شدند.

مطابق این اسناد در مارس 1953 (فروردین 1332) آمریکاییها به پیشنهاد انگلیس پاسخ مثبت دادند و آمادگی خود را برای همکاری مشترک جهت انجام کودتا در ایران اعلام داشتند. مسئولین وزارت خارجه آمریکا و "C.I.A" در مارس 1953 مطابق با فروردین 1332 به بخش امنیت ملی (N.E.I) سازمان "C.I.A" اجازه دادند تا در طرحهای براندازی حکومت وقت و ایجاد یک حکومت کاملاً وابسته اقدام نمایند. "C.I.A" و وزارت خارجه آمریکا "راجر گویران" رئیس شعبه امنیتی و "هندرسون" سفیر آمریکا در تهران را در جریان سیاست و برنامه جدید آمریکا و مجوزهای عملیاتی علیه حکومت مردمی دکتر مصدق در ایران قرار دادند. در چهارم آوریل 1953 مطابق با 16 فروردین 1332 دولت آمریکا بودجه ای برای انجام کودتا تصویب نمود و مبلغ یک میلیون دلار بصورت علی الحساب در اختیار کمیته طراح کودتا قرار داد تا با توافق و رایزنی با نمایندگان انگلیس در ایران هزینه کنند. در شانزدهم آوریل 1953 مطابق با 28 فروردین 1332 کمیته مشترک آمریکا و انگلیس، عوامل اصلی و داخلی کودتا را مشخص نمود و سرلشکر "زاهدی" را برای انجام مأموریت در نظر گرفت. در اوایل 1953 مطابق با اردیبهشت 1332 وابسته نیروی دریایی ایالات متحده در ایران به نام "اریک پولارد" با سرلشکر "زاهدی" و پسرش "اردشیر زاهدی" ارتباط برقرار کرد و آنان را در جریان طرح قرار داد. علاوه بر "زاهدی"، "برادران رشیدی" و تنی چند از وابستگان داخلی آمریکا و انگلیس و اعضای لژهای فراماسونری و روشنفکران وابسته نیز در نظر گرفته شدند. مسئولیت آنان، فعالیت در زمینه های جذب قوای مسلح، نمایندگان مجلس ایران، مطبوعات و نشریات، دستجات آشوبگران خیابانی، رجال سیاسی، روشنفکران و دیگر چهره های مورد نیاز بود.

در خرداد 1332 کمیته امنیتی مشترک آمریکا و انگلیس کلیات طرح کودتای 28 مرداد 1332 را تهیه و تکمیل نمود. در این طرح مبنای هفتگانه مفروض گرفته شده بود.

نیروهای مسلح صادر کرد و آمریکاییها و انگلیسیها از او خواستند تا سرلشکر "آزموده" را نیز به عنوان رئیس ستاد ارتش معرفی کند. از این به بعد شاه به اروپا و سپس به ایتالیا می‌رود و عوامل آمریکایی و انگلیسی و مزدوران داخلی آنها با صرف هزینه های کلان به اجرای مفاد طرح "اژاکس" مبادرت نمایند. طرح ابتدا با مشکلاتی مواجه می‌شود و سرانجام کودتا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحقق می‌یابد و زمینه های حاکمیت آمریکا بر مقدرات مردم فراهم می‌شود.

بروزی کودتا با جشن و سرور کودتاگران و قتل و غارت مردم روبرو می‌شود. صدها نفر از انسان های شریف و ترقی خواه کشور راهی سیاهچال های رژیم کودتا می‌شوند و زیر شدید ترین شکنجه های روحی و روانی به جرم عدالت خواهی و استقلال طلبی قرار می‌گیرند. جوخه های اعدام به راه می‌افتد تا صدای فرزندان ترقی خواه و عدالت پرور کشور را در گلو خفه کنند. کودتای ۲۸ مرداد باعث شد تا یک بار دیگر کشور از شرایط پیش آمده برای پیشرفت و ترقی باز ماند. آزادی ها از مردم گرفته شود و سرنوشت کشور در دستان قدرت های غارتگر به سرکردگی آمریکا قرار گیرد. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ شاه و خاندان پهلوی را از میان برداشت. اما نتوانست اثرات منفی کودتای ۲۸ مرداد را کامل از بین ببرد.

انگلیس در تهران هر هفته ۱۳ هزار دلار برای خرید افراد، نمایندگان مجلس و مطبوعات هزینه کنند.

علاوه بر این از رسانه های غربی خواسته شده بود که زمینه های لازم را فراهم آورند و دائماً مقالاتی برای ایجاد هرج و مرج و تضعیف حکومت مردمی ایران بنویسند و به بزرگنمایی عوامل کودتا مبادرت نمایند. در ۲۸ ژوئیه مطابق با ۷ مرداد ۱۳۳۲ وزارت خارجه آمریکا بنا به پیشنهاد "C.I.A" بیانیه ای رامنشر کرد و نسبت به اوضاع داخلی ایران و حکومت "مصدق" ابراز نگرانی نمود و اعلام کرد که نمی‌تواند به دولت "مصدق" کمک کند. در همین زمان سازمان "C.I.A" طی دستورالعمل و گزارشی محرمانه از روزنامه های آمریکایی خواست که علاوه بر درج مقالات تحریک آمیز به انعکاس مبارزات و درج مقالات توسط عناصر نفوذی و مزدوران خریداری شده در مطبوعات داخلی ایران علیه حکومت "مصدق" و نهضت ملی شدن صنعت نفت و حزب توده ایران بپردازند. عوامل کودتا تلاش کردند تا روحانیت را علیه وضعیت موجود تحریک کنند. در همین ایام نمایندگان آمریکا و انگلیس تعهدات لازم را از شاه کتباً اخذ کردند و "محمدرضاشاه" دستور عزل "مصدق" و نصب "زاهدی" را به سمت نخست وزیری و قائم مقامی فرمانده

نقلاب مشروطیت نقطه...

کردند. این عوامل که در پیشبرد اهداف جنبش مشروطه سهم بسزایی داشتند عبارت بودند از: افزایش ارتباط مردم ایران با کشورهای خارج، به ویژه با ممالکی که حکومتهای آنها ناشی از آراء مردم بوده و براساس قانون اداره می‌شدند، تأسیس دارالفنون و توسعه مدارس جدید، ایجاد پست و تلگراف در کشور بعنوان راهی برای انتقال افکار جدید در میان مردم، انتشار روزنامه‌های دولتی و غیر دولتی و نشر اخبار ایران و جهان در میان مردم، گسترش اطلاعات مردم درباره انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و دیگر کشورهای جهان، توسعه صنعت چاپ و انتشار آثار بعضی نویسندگان آزادیخواه، بیدار شدن اذهان مردم... آن ریشه‌های بنیادین و این عوامل محرک سبب شکل‌گیری هسته‌ها و انجمنهای ضد حکومتی در کشور و سرآغاز نهضت مشروطه گردید. در این میان انقلاب ۱۹۰۵

به عبارت دیگر هرج و مرج و فساد در دستگاه اداری، تهی شدن خزانه مملکت بر اثر اسراف و ولخرجی‌های شاهان و درباریان، انجام مسافرتها مکرر و غیر ضروری مظفردالدین‌شاه به «فرنگ» از طریق دریافت وام با شرایط سنگین از دولتهای بیگانه و تحمیل مالیات‌های کمرشکن بر مردم، قحطی فزاینده در تهران و شهرستانها، تسلط روز افزون بیگانگان بر کشور، افزایش بهای ارزاق عمومی، ظلم و تعدی مأموران قاجاری نسبت به مردم، بی‌حرمتی به مراجع تقلید و زیر پا نهادن احکام اسلامی، بحران مالی و سقوط اقتصادی کشور و اعطای امتیازات گوناگون به قدرتهای استعماری، ریشه‌های انقلاب مشروطیت بودند.

در این میان عواملی نیز بودند که سبب تسریع روند انقلاب شدند و در مسیر نهضت به منزله عامل محرک ایفای نقش

قوای بیگانه در شمال و جنوب و غرب ایران شد. قراردادهای سری ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ نیز ایران را به مناطق تحت نفوذ آنها تبدیل کرد.

نهضت مشروطیت شاهد ظهور و سقوط سه دوره مجلس، سه پادشاه قاجار و حدود ۳۰ دولت بود. این نهضت گرچه به سلسله یکصد و پنجاه ساله قاجار خاتمه بخشید ولی کودتای رضاخان نیز تیر خلاصی بر پیکره نیمه‌جان آن در سال پایانی قرن دوازدهم هجری شمسی محسوب می‌شد. بدین ترتیب نهضتی که اوائل سال ۱۲۸۵ با تحسن و اعتراض و فریاد مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان اوج گرفت، در اواخر سال ۱۲۹۹ با کودتای رضاخان میرپنج سوادکوهی به خاموشی گرائید. مقاله حاضر اشاره‌ای گنرا به حوادث این ۱۵ سال دارد.

حوادث سال ۱۲۸۵

تحسن مشروطه‌خواهان در تیرماه این سال ابعاد گسترده‌ای یافت. مظفالدین شاه قاجار در ۱۴ مرداد، فرمان برقراری حکومت مشروطه را صادر کرد. در این فرمان که خطاب به مشیرالدوله صداعظم صادر شد، آمده است:

«در این موقع که رأی همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران و تشبید و تأیید مبانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجرا گذارده شود، چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علما و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود... و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برسانند که به صحه مبارکه موشح و به موقع اجرا گذارده شود...»

دو روز پس از این فرمان، مظفالدین شاه، دستور تشکیل اولین مجلس شورای ملی را صادر کرد. در این دستور که مکمل فرمان مشروطیت بود آمده است: جناب اشرف صدر اعظم، در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ که صریحاً امر در تأسیس مجلس منتخبین ملت نموده بودیم، مجدداً برای آنکه عموم مردم از توجهات ما

روسیه که همزمان با شکل‌گیری نهضت مشروطه وقوع پیوست و به تأسیس مجلس «دوما» منجر شد و ورود انقلابیون منطقه قفقاز به ایران، در اشاعه تفکر انقلابی در کشور بی‌نقش نبود و برای مردم ایران، انگیزه ایجاد کرد.

مرحله جدی و تعیین‌کننده نارضائیه‌های مردمی در ایران در دوران صدارت شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله و در ماه‌های میانی ۱۲۸۴ آغاز شد. تشدید بحران اقتصادی کشور همراه با بی‌حرمتی عین‌الدوله به بازاریان، بازرگانان و علمای روحانی سبب تشکیل اجتماعات مردم در مساجد و حرم حضرت عبدالعظیم و درخواست آنان مبنی بر کناره‌گیری عین‌الدوله شد. مظفالدین شاه بی‌آنکه عین‌الدوله را عزل کند، تأسیس «عدالتخانه» را به مردم وعده داد. بیماری شاه و بداندیشی اطرافیان وی، اجرای وعده شاه را نه تنها متوقف ساخت بلکه خشونت و تعدی عین‌الدوله را نسبت به مردم بیش از پیش ساخت. اعتراض مردم افزایش یافت و موجب شد عده زیادی از علما و روحانیون از جمله آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و آیت‌الله سید محمد طباطبایی به قم مهاجرت کنند. گروه زیادی از کسبه و بازرگانان تهران نیز در تیر ۱۲۸۵ در سفارت انگلیس متحصن شده‌ی ۵، عزل عین‌الدوله و بازگشت علما به تهران و بالاخره تأسیس عدالتخانه و قصاص قاتلان مردم و رفع موانع بازگشت تبعیدشدگان را خواستار شدند. شاه عین‌الدوله را برکنار کرد و فرمان تأسیس عدالتخانه و چندی بعد دستور شکل‌گیری مجلس شورای ملی را امضا نمود.

آنچه که در تاریخ، مبنای شکل‌گیری «مشروطه» شناخته شده، صدور فرمان تأسیس مجلس در مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی است. از این تاریخ تا حادثه کودتای رضاخان که به منزله مرگ مشروطیت بود طی یک دوره ۱۵ ساله، ایران شاهد حوادث فراوانی بود. مجلس اول مشروطه ۲ سال پس از شروع در ۱۲۸۷ توسط نظامیان روس و به یاری حکومت وقت که مشروطیت را تهدیدی علیه پایه‌های قدرت خود می‌دانست به توپ بسته شد. سپس در فضایی اختناق ایجاد شده بسیاری از رجال آزادیخواه و روحانیون دلسوز و معتمدین جامعه از جمله روزنامه‌نگاران به دار آویخته شدند. در مرحله بعد از یکسو تهران به تصرف مشروطه‌خواهان درآمد و از سوی دیگر وقوع جنگ اول جهانی سبب گسترش مداخلات

محمدعلی شاه و صدر اعظم او انتقاد می‌کردند. وزیران دولتی نیز کم کم از حضور در مجلس برای پاسخگویی به سؤالات مردم خودداری می‌کردند. رابطه میان قوه مجریه و قوه مقننه روز به روز تیره‌تر شد. میرزا علی اصغر خان اتابک رئیس‌الوزراء مشروطه و صدر اعظم محمد علی شاه به هنگام تعیین وزیران خود تأکید کرد که آنان فقط در برابر دولت مسئول هستند. وی تنها ۸ وزیر با اختیارات بسیار گسترده در کابینه خود جای داده بود. هنگامی که نمایندگان مجلس درباره کم بودن تعداد وزیران و وسیع بودن حوزه اختیارات آنان از صدر اعظم سؤال کردند، وی در پاسخ گفت: «در قانون اساسی در باب مسئولیت وزیران و تعداد آنها هیچ سخنی به میان نیامده، بنابراین اعتراض بی‌مورد است.»

انتصاب احمد میرزا پسر محمدعلی شاه به ولیعهدی - ۱۹ اسفند - و عزل ظل‌السلطان برادر شاه و حاکم اصفهان - ۲۵ اسفند - که با پافشاری علما و مراجع و متعاقب تظاهرات اعتراض آمیز مردمی صورت گرفت، از دیگر رویدادهای سال ۱۲۸۵ بود.

حوادث سال ۱۲۸۶

در اردیبهشت این سال کابینه میرزا علی اصغر خان اتابک با اکثریتی ضعیف از مجلس رأی اعتماد گرفت. در ماههای بهار ۱۲۸۶ اجتماعات مشروطه‌خواهان در نقاط مختلف کشور افزایش بیشتری یافت. طلاب و روحانیون در سوم تیر ماه این سال به رهبری شیخ فضل‌الله نوری در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند و مشروطه منهای مشروطه را خلاف اسلام دانستند. شیخ فضل‌الله نوری همراه با سید احمد طباطبایی در تلگرامهائی به علمای شهرهای ایران بر ضرورت رعایت موازین شرعی در قیام مشروطه تأکید کردند. این تأکیدات زمینه‌ساز فاصله گرفتن تدریجی متدینین از سایر رهبران سیاسی جنبش مشروطه بود.

در نهم شهریور ۱۲۸۶ روسیه و انگلستان قرارداد معروف ۱۹۰۷ را که ایران را به مناطق تحت نفوذ دو کشور تقسیم می‌کرد به امضا رساندند. طبق این توافق قسمت شمالی ایران شامل شهرهای پرجمعیت و مراکز عمده تجاری از خط فرضی بین قصر شیرین و اصفهان و یزد و خواف و مرز افغانستان، منطقه نفوذ روسیه شناخته شد و قسمت جنوبی که

واقف باشند مقرر می‌داریم که مجلس مزبور را صریحاً دائر نموده و بعد از انتخاب اجزای مجلس، فصول و شرایط نظام مجلس شورای ملی را براساس امضای منتخبین به طوری که شایسته مملکت باشد مرتب نمایند که به شرف عرض و با امضای همایون این مقصود مقدس صورت پذیرد. «

کار تدوین نظامنامه انتخابات نیز توسط مجلسی مرکب از نمایندگان شاهزادگان، علمای قاجاریه، اعیان و اشراف، مالکین، تجار و اصناف آغاز شد. این مجلس هفته‌ای دو بار در دارالخلافه - میدان ۱۵ خرداد فعلی - تشکیل جلسه می‌داد و پس از ۳۳ روز موفق شد نظامنامه انتخابات را آماده کند و آن را به امضای شاه برساند. به موجب این نظامنامه که با ۵۱ اصل در ۱۷ شهریور ۱۲۸۵ تدوین و به تأیید شاه رسید، تعداد ۱۵۶ نماینده انتخاب شدند که ۶۰ نفر از آنان نمایندگان تهران بودند. اولین جلسه مجلس شورای ملی بدین ترتیب در ۱۷ مهر این سال تشکیل شد.

در هشتم دی ۱۲۸۵، اولین قانون اساسی ایران با عنوان «نظامنامه سیاسی» مشتمل بر ۵۱ اصل تدوین شد و به امضای شاه رسید. این قانون با امضای شاه، صورت قانونی یافت. ده روز پس از این رویداد مظفرالدین شاه در ۱۸ دی ۱۲۸۵، در سن ۵۴ سالگی درگذشت و پسرش محمدعلی میرزا - محمد علی شاه قاجار - به قدرت رسید. محمد علی شاه یکی از وابستگان به روسیه تزاری و از مخالفین سرسخت نهضت مشروطه بود. او مخالف تدوین قانون اساسی و مخالف تشکیل مجلس شورا بود و به سلطنت مطلقه اعتقاد داشت. به همین دلیل نیز در مراسم تاجگذاری خود که در روز ۲۸ دی ۱۲۸۵ برگزار شد، هیچ یک از نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. چند روز بعد در اول بهمن، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله اولین صدر اعظم مشروطه نخستین کابینه خود را تشکیل داد. در ۱۴ بهمن هیأتی از جانب مجلس برای تدوین متمم قانون اساسی تعیین شد و در اسفند ماه، میرزا علی اصغر خان اتابک، صدر اعظم دوران ناصرالدین شاه از اروپا به تهران دعوت شد تا دولت مشروطه را بر عهده گیرد و آن را مطابق میل شاه اداره کند. در دوران اقتدار میرزا علی اصغر خان اتابک فاصله میان مجلس و دولت به تدریج عمیق شد به طوری که همه روزه یک یا دو نماینده مجلس از رفتار و برخوردهای

خوردنهای خونین میان طرفداران مشروطه و حامیان شاه نیز متوقف نشد و به سراسر کشور کشیده شد. در این بحبوحه، حسینقلیخان نظام السلطنه مأمور تشکیل کابینه شد. درگیریها در دی ماه افزایش یافت و در تبریز از شدت بیشتری برخوردار شد. شاه روز 23 دی برای فرونشاندن بحران جلسه «آشتی با مجلس» را در دربار تشکیل داد و بار دیگر نزد نمایندگان دعوت شده، وفاداری خود را به مشروطه اعلام کرد. در ماه بهمن اولین قانون مطبوعات ایران مشتمل بر 53 ماده به تصویب نمایندگان مجلس رسید.

در ماه اسفند انفجار يك بمب در مسیر حرکت محمدعلی شاه که عازم دوشان تپه بود، بار دیگر خشم وی را علیه مخالفان برانگیخت. این واقعه سبب احضار ظفر السلطنه حاکم تهران و وزیر جنگ وقت به دربار شد. شاه آنان را چوب فراوان زد و سپس به زندان انداخت. در همین ماه قوام‌الملک شیرازی والی پیشین فارس نیز که به دلیل مخالفت با مشروطه عزل شده بود به قتل رسید و در مجلس ختم او فرزندش نیز ترور شد. اما شاه برادر خود ظل‌السلطان را که توسط مردم خشمگین اصفهان خلع شده بود، فرماندار فارس کرد.

حوادث سال 1287

در فروردین این سال محمدعلی شاه بار دیگر مورد سوء قصد قرار گرفت. او ستاد کار خود را به پادگان باغشاه انتقال داد و شهر تهران حالت جنگی به خود گرفت. در ماه خرداد ساختمان مجلس شورای ملی به محاصره مجاهدین مشروطه‌خواه درآمد و محمدعلی شاه نیز در همین ماه اداره این شهر را به نظامیان روس سپرد. بازار تهران نیز در اعتراض به اقدامات محمدعلی شاه تعطیل شد و به دستور شاه سلاح و مهمات فراوانی به باغشاه حمل گردید. در آخرین روز خرداد، شاه تمامی روزنامه‌های کشور را توقیف کرد. او برای فراهم ساختن زمینه نقشه خود علیه مجلس، ابتدا این مکان را تهدیدی علیه مشروطیت خواند و سپس یکی از درباریان معتمد خود به نام مشیرالسلطنه را به صدراعظمی برگزید، مقام وزارت جنگ را نیز به میرزا حسین پاشاخان امیربهدار سپرد و «لیاخوف» سردار روسی را نیز به فرمانداری نظامی تهران منصوب کرد. با این انتصاب در اولین روزهای تابستان 1287، نقاط حساس تهران به تصرف نظامیان قزاق تحت

دارای ارزش سوق‌الجیشی برای دفاع از هند بود از خط فرضی بین بندر عباس، کرمان، بیرجند، زابل و مرز افغانستان منطقه نفوذ انگلستان و قسمت میانی هم منطقه بیطرف و متعلق به دولت ایران شناخته شد.

گفته می‌شود دولت ایران پس از گذشت يك ماه از انعقاد این پیمان از طریق وزیر مختار آمریکا در جریان متن فارسی آن قرار گرفت. افشای این قرارداد در ایران موجب هیجان عمومی و اعتراضات شدیدی گردید و مجلس شورای ملی به اتفاق آراء آن را مردود و بی‌اعتبار شناخت. با این وجود، روسها و انگلیسی‌ها عملاً این پیمان را به اجرا گذارده و پس از آغاز جنگ جهانی اول دخالت‌های وسیعی در شهرهای ایران به عمل آوردند.

ترور میرزا علی‌اصغر خان اتابک رئیس‌الوزرا در مقابل مجلس که درست در روز انعقاد قرارداد 1907 صورت گرفت، از دیگر رویدادهای قابل تأمل شهریور 1286 است. پس از این ترور، میرزا احمدخان مشیرالدوله رئیس‌الوزرا شد.

در پانزدهم مهر این سال متمم قانون اساسی تحت نظارت علما در مجلس تصویب شد. متمم قانون اساسی مشتمل بر 105 اصل با اعمال نفوذ روحانیت و جناح متعهد مجلس تنظیم شد و پس از نظارت شخصیت‌هایی چون آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله سید محمد طباطبایی، آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی و ... در 15 مهر 1286 به امضای محمد علی شاه رسید.

در این ماه دولت مشیرالسلطنه نیز به دلیل بی‌کفایتی با رأی نمایندگان مجلس سقوط کرد و ناصرالملک به حکم شاه به رئیس‌الوزرایی منصوب شد. در آبان این سال محمد علی شاه با حضور در مجلس و به شکل صوری سوگند وفاداری به مشروطه یاد کرد. در ماه آذر، بودجه دربار توسط نمایندگان مجلس تقلیل یافت و خشم شاه را که مخالف مجلس و مشروطه بود برانگیخت. در همین ماه طرفداران محمدعلی شاه به ساختمان مجلس حمله کردند که با مقاومت محافظان مجلس عده‌ای از طرفین کشته شدند. در میدان توپخانه نیز درگیری مشابهی میان حامیان طرفین بوقوع پیوست. رئیس مجلس دو نفر را به همراه ناصرالملک جهت گلابه از حوادث مذکور نزد شاه فرستاد ولی هر دو بازداشت شدند. بعداً ناصرالملک با وساطت سفارت انگلیس آزاد ولی به لندن تبعید شد. زد و

رهبان مشروطه در معیت سه هزار نیرو وارد اصفهان شد. مخالفان محمدعلی شاه در گیلان پیمان اتحاد بستند و آقابالاخان والی رشت را به قتل رساندند و جنگ میان قوای دولتی و مشروطه‌طلبان در کازرون، لار، میانه و میناب نیز گسترش یافت. در ۲۸ اسفند این سال میرزا علی آقا ثقة‌الاسلام طی تلگرافی از شاه خواست برای متوقف شدن جنگ و خونریزی در کشور به مشروطیت تن دردهد.

حوادث سال ۱۲۸۸

ورود مشروطه‌خواهان به تبریز و اعدام فرمانده قشون این شهر از رویدادهای فروردین ماه سال ۱۲۸۸ بود. در ماه اردیبهشت نظامیان روس به بهانه تأمین مواد غذایی برای مردم محاصره شده تبریز وارد این شهر شدند. دولتهای کم دوام نیز یکی پس از دیگری ظهور و سقوط می‌کردند. مشیرالدوله جای خود را به کامران میرزا نایب‌السلطنه و او نیز پس از چند روز جای خود را به سعدالدوله سپرد.

در ماه خرداد این سال علمای نجف در جبهه‌های متشکل اقدامات محمد علی شاه در رویارویی با اراده مردم را خلاف اسلام دانستند. در ماه تیر قوای مشروطه‌خواه به فرماندهی سردار اسعد بختیاری با شکست دادن قوای دولتی وارد تهران شدند، ساختمان مجلس و مسجد سپهسالار را به تصرف خود درآوردند و در بسیاری از نقاط شهر سنگربندی کردند. در نتیجه این تهاجم، محمدعلی شاه همراه با خانواده‌اش به همراه ۵۰۰ قزاق به سفارت روسیه پناهنده شد و لیاخوف سردار روس نیز منفعلانه در مجلس حضور یافت و خواهان تأمین جانی شد. روز ۲۶ تیر شاه از سلطنت خلع شد و ولیعهد ۱۲ ساله‌اش احمدمیرزا جایگزین وی گردید. ۱۱ با این حال بازداشت شیخ‌فضل‌الله نوری و سپس به دار آویخته شدن وی که در مرداد ۱۲۸۸ به وقوع پیوست از تلخ‌ترین مقاطع حوادث مشروطه بود.

از دیگر رویدادهای سال ۱۲۸۸ خلع «وزیر اکرم» استاندار دولتی تهران توسط مشروطه‌طلبان خشمگین و جایگزین کردن میرزاشرک‌الله خان معتمدخاقان بود. در ماه مهر این سال نیز محمدعلی شاه و همراهان بندر انزلی را به قصد اروپا ترک کردند. در همین ماه بود که روزنامه شرق به مدیریت سید ضیاءالدین طباطبایی انتشار یافت. در ماه آبان دومین دوره

فرماندهی افسران روسی درآمد، اطراف میدان بهارستان و مدرسه سپهسالار محاصره شد و توپخانه و سواره نظام در مقابل مجلس مستقر شدند. تمام روزنامه‌ها توقیف شدند و جنگ بین قوای قزاق و مشروطه‌خواهان آغاز شد. روز دوم تیر ۱۲۸۷ که ساختمان مجلس به توپ بسته شد، اوج جنگ بود. این جنگ که در ساعات ظهر فروکش کرد، ۳۰۰ کشته و ۵۰۰ زخمی به جای گذاشت. بسیاری از بازداشت‌شدگان در باغشاه تهران به دار آویخته شدند و تعدادی از وعاظ، روزنامه‌نگاران، نمایندگان مجلس، سیاسیون و روحانیون از جمله آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی و آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی تبعید شدند. تعدادی نیز به سفارتخانه‌های خارجی پناهنده شدند. حادثه دوم تیر سبب انحلال مجلس اول و به هم ریختن اوضاع تهران شد.

به دنبال این حادثه که به کودتا شباهت داشت، محمد علی شاه در تهران حکومت نظامی اعلام کرد و به موازات آن قیام مسلحانه ستارخان و باقرخان علیه قوای دولتی در تبریز آغاز شد قیامی که به تدریج به نبردی خونین در سراسر شهر انجامید. این جنگ که تا مهر ماه ادامه یافت به شکست قطعی قوای دولتی انجامید.

در ماه آبان شیخ فضل‌الله نوری در اجتماع بزرگ روحانیون، رجال و بازرگانان تصریح کرد که «این مشروطه با شریعت اسلامی سازگار نیست» و شاه نیز با سوء استفاده از اظهارات شیخ که حمایت بسیاری از روحانیون را به همراه داشت اعلام کرد «چون بسیاری از علما با جنبش مشروطه مخالفند، من نیز مخالفت خود را با این جنبش اعلام می‌دارم». با این حال شیخ فضل‌الله که همواره مورد غضب شاه و روشنفکران لائیک بود، در نهم ماه دی مورد سوء قصد قرار گرفت. او هنگام بازگشت از یک میهمانی شبانه ترور شد اما جان سالم به در برد. در بازجویی که از ضارب وی صورت گرفت، اسامی افرادی به میان آمد که با سفارت انگلستان ارتباط داشتند و سفارت، رسماً از دولت ایران خواست تا بدون حضور نماینده آن سفارت، متهمان محاکمه نشوند.

در ماههای زمستان ۱۲۸۷ جنگ میان مشروطه‌خواهان و قوای دولتی در شهرهای مختلف کشور از شدت بیشتری برخوردار شد. نجفقلی خان صمصام‌السلطنه بختیاری از

نفر از قوای دولتی و ۱۸ نفر از مجاهدین کشته و ۴۰ نفر از جمله ستارخان مجروح شدند. انتشار روزنامه برق به مدیریت سید ضیاءالدین طباطبایی که پس از لغو امتیاز روزنامه شرق صورت گرفت نیز از دیگر رویدادهای این سال بود که در ماه مهر به وقوع پیوست. در ماه بهمن قرارداد استخدام مستشاران مالی امریکایی برای وزارت مالیه به تصویب مجلس رسید. در ماه اسفند شاهد سقوط کابینه ۷ ماهه مستوفی‌الممالک و به قدرت رسیدن سپهدار تنکابنی بودیم.

حوادث سال ۱۲۹۰

مهمترین رویداد فروردین این سال قیام مردم اصفهان در اعتراض به قحطی و کمبود نان و حمله خشمگینانه آنان به بلدیة و غارت اموال آن ساختمان بود. در این حادثه رئیس بلدیة نیز به دست مردم خشمگین به قتل رسید. در اردیبهشت این سال مورگان شوستر که برای سامان دادن به امور مالی کشور استخدام شده بود به اتفاق ۱۶ نفر همراه خود وارد تهران شد. او در ماه بعد برای تسهیل وصول مالیات اقدام به تشکیل یک نیروی نظامی با عنوان «ژاندارمری خزانه» نمود. در تیرماه ۱۲۹۰ محمدعلی شاه به اتفاق برادرش ملک‌منصور میرزا - شعاع‌السلطنه - با مقادیر زیادی اسلحه و سپاه نظمیة برای تصرف تهران وارد منطقه گمش تپه - در نزدیکی استرآباد گرگان - شد. در پی این رویداد که به شکست قوای محمدعلی شاه انجامید روز هشتم مرداد مجلس شورای ملی برای قتل شاه و برادرش جایزه تعیین کرد. مورگان شوستر نیز اقدام به اجرای حکم توقیف اموال شعاع‌السلطنه برادر شاه کرد. اما با مقاومت نظامیان روسیه روبرو شد. روسها سپس نیروهای تحت فرمان شوستر را به حمله علیه یک ژنرال روس متهم کردند و در پی چند رشته مشاجره با مسئولان دولت و مجلس، در هشتم آبان این سال یک ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته برای اخراج مورگان شوستر از ایران تعیین کردند. این تهدید ابتدا از سوی نمایندگان مجلس رد شد اما نظامیان روسیه در مرحله اول، از رشت و تبریز به سوی قزوین براه افتادند تا در مراحل بعد به تهران هجوم آورند. مشکل اصلی روسها با مورگان شوستر یکی اختیار قوای ژاندارمری تحت فرمان وی برای ورود به همه جای ایران از جمله «منطقه نفوذ روسیه» در شمال ایران و دیگری انتصاب

مجلس شورای ملی آغاز به کار کرد. این مجلس به ستارخان و باقرخان لقب «سردار ملی» و «سالار ملی» اعطا کرد. این دو سردار آذربایجان در ماه اسفند تبریز را به قصد تهران ترک کردند.

حوادث سال ۱۲۸۹

در فروردین این سال ستارخان و باقرخان سرداران مشروطه وارد تهران شدند. دولت وقت که با توجه به صغر سن احمدشاه، توسط عضدالملک بزرگ ایل قاجار اداره می‌شد، ستارخان و نیروهایش را در پارک اتابک - محل فعلی سفارت روسیه - و باقرخان را همراه قوایش در عشرت‌آباد اسکان داد. در اواخر این ماه هیأت وزیران به طور دسته‌جمعی استعفا دادند و در اوائل ماه اردیبهشت محمودلی‌خان تنکابنی موسوم به سپهدار اعظم کابینه جدید خود را تشکیل داد. در این ماه دولتهای روسیه و انگلستان دولت ایران را برای اجرای معاهده ۱۹۰۷ که کشور را به قلمرو نفوذ آنان تقسیم می‌کرد، تحت فشار قرار دادند. مجلس نیز همزمان قانون استخدام مورگان شوستر مستشار امریکایی را به عنوان خزانه‌دار کل ایران به تصویب رساند.

ترور مشکوک آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی نیز حادثه تلخ دیگری بود که در تیرماه ۱۲۸۹ به وقوع پیوست.

بهبهانی از رهبران برجسته مشروطیت شاگرد میرزای شیرازی و سید حسن کوه‌کمری بود. او پس از واقعه به توپ بستن مجلس، همراه با جمعی از مشروطه‌خواهان به پارک امین‌الدوله پناهنده شد و مورد ضرب و شتم قزاق‌ها قرار گرفت. سپس به عتبات تبعید شد اما متعاقب سقوط محمدعلی شاه به تهران بازگشت. مرگ بهبهانی نیز از جمله قتل‌های برنامه‌ریزی شده دوران مشروطیت بود.

در پی این حادثه، مجلس و بازار تهران به عنوان اعتراض به این جنایت تعطیل شد و مردم خشمگین تظاهرات گسترده‌ای علیه عاملین این حادثه براه انداختند و از جمله نفرت خود را نسبت به سیدحسن تقی‌زاده که بویژه علمای نجف نیز وی را به خاطر توطئه‌چینی برای قتل آیت‌الله بهبهانی متهم کرده بودند، ابراز داشتند. حمله نیروهای دولتی به پارک اتابک برای خلع سلاح قوای ستارخان و همچنین باقرخان (که شبانه به وی پیوسته بود) از رویدادهای مرداد ۱۲۸۹ بود. در این حمله ۷

دامنه‌درگیریهای مردم علیه نظامیان روس را در شهرهای مختلف شدت بخشید. قزوین، رشت، تبریز، گیلان و مشهد صحنه شدیدترین این درگیریها بود. از سوی دیگر فشار بی‌پایان خان به نمایندگان مجلس برای به تسلیم واداشتن آنان در برابر روسیه، سبب بحران شدیدی میان نظمیه و مجلس شد. نمایندگان به شکل توهین‌آمیزی توسط نظمیه اخراج و درهای ورودی مجلس توسط مأموران نظمیه قفل و مهر و موم شد و با این رویداد دیکتاتوری ناصرالملک نایب‌السلطنه و صمصام‌السلطنه بختیاری رئیس‌الوزرا تحت حمایت ارتش روسیه آغاز گردید. در مرحله بعد مشهد و تبریز به تصرف قزاق‌های خشمگین روس درآمد و بازداشت و تبعید ناراضیان از جمله نمایندگان مجلس، روزنامه‌نگاران و رجال سیاسی کشور در سطح گسترده‌ای آغاز گردید. روس‌ها سپس در شهرهای اشغالی دست به جنایات فراوانی زده و از جمله میرزا علی آقا ثقة‌الاسلام مجتهد بزرگ تبریز را همراه با ۷ مبارز نامدار این شهر در دهم دی که مصادف با روز عاشورای ۱۳۲۹ ق بود، به دار آویختند. گفته می‌شود که ثقة‌الاسلام تبریزی روز تاسوعای حسینی پس از آنکه توسط روسها بازداشت شد به کنسولگری روسیه در تبریز برده شد. سپس کنسول از او خواست تا نامه‌ای را امضا کند و گواهی دهد که نخست مجاهدان تبریز به روی ارتش روسیه آتش گشودند و جنگ را آغاز کردند و روس‌ها برای حفظ اتباع خود، ناچار به جنگ و تصرف تبریز شدند. ثقة‌الاسلام حاضر به دادن گواهی دروغ نگردید و چون از وی خواستند گواهی کند تا هنگامی که دولت ایران قادر به حفظ امنیت آذربایجان نیست، توقف ارتش تزاری در تبریز ضروری است، پاسخ داد که «شما آذربایجان را تخلیه کنید من قول می‌دهم که امنیت کامل در اینجا برقرار شود.»

حوادث سال ۱۲۹۱

در ۱۱ بهمن این سال هیأت افسران سوئدی که پس از مرگ بی‌پایان برای اداره امور نظمیه استخدام شده بودند، وارد تهران شدند و در ۱۴ بهمن امتیاز راه‌آهن جلفا به تبریز در غیاب مجلس به بانک استقراضی روسیه که شعبه‌ای از وزارت مالیه آن کشور بود اعطا شد. سه روز بعد امتیاز راه‌آهن جلفا به تبریز نیز در غیاب مجلس به انگلستان واگذار شد. در آخرین

یک وابسته نظامی سفارت انگلستان در تهران به فرماندهی این قوا بود. روسها این انتصاب و اختیارات حاصل از آن را مخالف روح قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس می‌دانستند و با اشاره به واقعه پناه بردن مشروطه‌خواهان به سفارت انگلیس، انگلیسی‌ها را به حمایت از ملیون ایران علیه روسیه متهم کرده بودند. در آن زمان دولت روسیه به موجب قراردادهای قرضه ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ درآمد گمرکات ایران به استثنای بنادر خلیج فارس را به وثیقه برداشته و به مستشاران بلژیکی دستور داده بود، قبلاً حق‌السهم آن دولت را از عواید مزبور برداشت نموده و بقیه آن را به دولت ایران بپردازند. به موجب قانونی که شوستر وضع کرده بود، گمرکات باید به خزانه دولت ایران وارد و سپس حق‌السهم دولتهای خارجی پرداخت گردد. این امر روسها را خشمگین کرد و شوستر بدون واهمه از خشم روسها به مدد قوای ژاندارمری که خود آن را ایجاد کرده بود، قصد اخذ مالیاتها را داشت. البته انگلیسی‌ها هم کلیه گمرکات جنوب را در گرو قرضه‌ای به مبلغ یک میلیون و ۲۵۰ هزار لیره که بانک شاهي در ۸ مه ۱۹۱۱ به دولت ایران داده بود در اختیار داشتند. ولی آنان به دلیل در اختیار داشتن فرماندهی ژاندارمری و نیاز شوستر به همکاری سفارت انگلستان چندان نگران رفتار شوستر نبودند.

در کشاکش مشاجره روسها با دولت و مجلسیان ایران از یکسو علمای حوزه‌های علمیه نجف و کربلا تهدیدات روسیه را محکوم کردند و از جانب دیگر صدها نفر از علما و روحانیون عراقی برای ابراز حمایت خود از مردم ایران در برابر تهدیدات روسیه، وارد کرمانشاه شدند. در این اثنا دولت روسیه بی‌اعتنا به ابعاد بحران موجود در ۲۴ آبان مجدداً تهدید کرد چنانچه ظرف ۶ روز مورگان شوستر از ایران اخراج نشود، ۴ هزار نظامی تازه نفس خود را به تهران اعزام خواهد کرد. در پاسخ به این تهدید صمصام‌السلطنه رئیس‌الوزرا مایل به پذیرفتن درخواست روسها و ختم بحران بود اما با مقاومت مجلس روبرو شد. در مرحله بعد بی‌پایان خان ارمنی رئیس نظمیه نمایندگان مجلس را برای پذیرش درخواست روسها و تسلیم شدن در برابر تهدیداتشان، تحت فشار قرار داد. در نتیجه مجلس متعاقب تهدید نظمیه تسلیم شد و مورگان شوستر در آخرین روز آبان از مقامش عزل گردید. این رویداد

آن تاب مقاومت نیاورد و در اسفند این سال سقوط کرد. در سالهای جنگ اول جهانی، ایران به عرصه تهاجم نظامی و سیاسی و تبلیغاتی روسیه و انگلیس و آلمان و عثمانی تبدیل شد. کنسولگریهای اروپا در شهرهای ایران به دژهای مسلح بیشتر شباهت داشتند تا اقامتگاههای نمایندگان سیاسی. از کنسولگری روس 200 قزاق و 50 سرباز پیاده، از کنسولگری انگلیس 100 سرباز انگلیسی و 50 سرباز هندی و از کنسولگری آلمان دهها نظامی آلمانی محافظت می‌کردند. در سال 1293 ایران به آینده‌ای مبهم و نومیدانه به خاطر اشغال کشور توسط نیروهای بیگانه تن داده بود. انگلیسی‌ها و روسها در این سال که سال آغازین جنگ اول جهانی بود، با رؤسای قبائل مراوده مستقیم داشتند بر راههای اصلی کشور نظارت می‌کردند و در شهرهای شمالی و جنوبی ایران سربازخانه داشتند. مرگ ستارخان سردار مشروطیت از دیگر حوادث سال 1293 بود. جسد وی بنابر وصیتش در باغ طوطی حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

حوادث سال 1294

در خرداد این سال قوای روس از قزوین به سوی تهران به راه افتادند و در ماه مرداد قوای انگلیس بوشهر را به اشغال خود درآوردند. در ماه شهریور رئیس علی دلواری در جریان مقاومت دلیرانه تنگستانی‌ها در برابر پیشروی نظامیان انگلیسی به شهادت رسید.

نظامیان روس از یکسو پس از اشغال شهر کرج به سمت تهران به راه افتادند و از سوی دیگر ستونهایی از آنها جداگانه از مرزهای شمالی کشور گذشته وارد شهر انزلی شدند، با نزدیک شدن قوای روس به تهران احمد شاه تصمیم گرفت پایتخت را به اصفهان انتقال دهد. مهاجرت عده زیادی از علما و نمایندگان مجلس به قم نیز که در اعتراض به مداخلات قوای بیگانه صورت گرفت، موجب شد مجلس از اکثریت بیفتد و تعطیل شود.

در ماه آذر نظامیان روسیه شهر ساوه و در ماه دی شهرهای قم و کاشان را به اشغال خود درآوردند. در همین ماه متعاقب اتحادی که میان کنسول آلمان با عشایر قشقایی و تنگستانی وجود آمده و شیراز را از اشغال انگلیسی‌ها خارج کرده بود، دولت انگلیس تصمیم گرفت نیروی مشابه قزاق‌های روس در

روزهای اسفند نظمیته تهران با سازماندهی جدید توسط کلنل «وستد» سوئدی تأسیس و آغاز به کار کرد. در این روز از سوی نامبرده دستور استخدام 500 «آژان» برای تهران صادر شد.

حوادث سال 1292

در تیر ماه این سال نظمیته جدید ایران توسط مأموران سوئدی پایریزی شده و در مرداد این سال به دنبال برکناری صمصام‌السلطنه بختیاری از ریاست وزراء، درگیری سختی میان مأموران دولت با قوای بختیاری مستقر در تهران به وقوع پیوست. این درگیری که صد کشته از طرفین و مردم بر جای گذاشت، پس از آن به وقوع پیوست که بختیارها درخواست دولت برای خلع سلاح را رد کردند. در ماه شهریور وزیر مختار انگلیس در تهران طی یادداشت شدیدالحنی به وزارت خارجه ایران از تعرض مداوم مردم به کاروانهای انگلیسی در جنوب ایران شکایت کرد. در ماه بهمن نظامیان روسیه در کشاکش جنگ اول جهانی با هدف رویارویی با نظامیان عثمانی که در شهرهای آذربایجان غربی مستقر بودند، وارد این مناطق شدند و آنها را مغلوب و تار و مار کردند. اما خود در آذربایجان باقی ماندند و این منطقه را در اشغال خود نگاه داشتند.

حوادث سال 1293

در 30 تیر این سال مراسم جشن تاجگذاری احمدشاه قاجار که به سن قانونی رسیده بود از طریق استقراض از انگلستان برگزار شد. این مراسم یک سال پس از ازدواج احمد شاه و سه هفته پس از شروع جنگ اول جهانی برگزار گردید. 10 روز پس از این مراسم دولت مستوفی‌الممالک بیطرفی ایران را در جنگ اعلام کرد. درخواستی که با بی‌اعتنایی دولتهای درگیر در جنگ مواجه شد. موضوع بیطرفی ایران در جنگ یکبار نیز در سیزدهم آذر این سال در اجلاس افتتاحیه مجلس سوم مورد تأکید احمد شاه قرار گرفت. این در حالی بود که در ماه دی نیروهای عثمانی از مرزهای غربی کشور وارد تبریز و ارومیه شدند. در پی این دخالت، روسیه و انگلستان پیمان موسوم به معاهده 1915 را به بهانه مقابله با عثمانی‌ها و با هدف توسعه قلمرو نفوذ خود در ایران با یکدیگر به امضا رساندند. دولت مستوفی‌الممالک تحت تأثیر این حوادث و تبعات

رویدادهای سال 1295 درگیری خونین نظامیان انگلیس با مدافعین شهر کازرون در دی ماه بود. در ماه اسفند نیز نظامیان روسیه شهر کرمانشاه و سپس همدان را به اشغال خود درآوردند. در هفتم اسفند این سال شیخ محمدخیا بانی حزب دمکرات آذربایجان را در تبریز بنیان نهاد.

حوادث سال 1296

در ابتدای این سال وثوق الدوله رئیس‌الوزرا با تشکیل یک سپاه 11 هزار نفره مرکب از نظامیان انگلیسی و هندی در جنوب ایران تحت نام «سپاه جنوب» موافقت کرد. انگلیسی‌ها این نیرو را در شرائطی تشکیل دادند که در روسیه به تازگی انقلاب بلشویکی به پیروزی رسیده و عده زیادی از نمایندگان مجلس و رجال دولتی و روزنامه‌نگاران این پیروزی را به دوماي روسیه تبریک گفته بودند. در این سال ایران حکومت جدید روسیه را به رسمیت شناخت و لنین رهبر کمونیست این کشور اعلام کرد عهدنامه‌های سری تزارها که بر ایران تحمیل شده باطل است و قشون روس به زودی خاک ایران را ترک خواهد کرد.

همزمان با اعلام نظر لنین راجع به خروج قشون روس از ایران «لئون تروتسکی» کمیسر امور خارجه روسیه بلشویکی نیز طی یادداشتی که برای سفارت ایران در «سن‌پترزبورگ» فرستاد، قراردادهای 1907 و 1915 منعقد شده میان روسیه و انگلستان را باطل خوانده و عزم کشورش برای خارج ساختن نیروهای نظامی روس از صفحات شمالی ایران را اعلام کرد. این تصمیم در اوج جنگ داخلی روسیه میان بلشویکها و مخالفین اتخاذ شد و هدف از آن تقویت جبهه جنگ علیه مخالفین بود. یک ماه پیش از این تروتسکی در آذر 1295 نیز طی نطقی خطاب به اجتماعي از کارگران روسیه، ابطال پیمانهای مذکور را اعلام و بر استقلال ایران تأکید کرده بود. این در حالی بود که «براوین» اولین فرستاده دولت بلشویکی در بهمن این سال وارد تهران شد تا تصمیم دولت متبوع خود داور بر لغو قراردادهای ظالمانه میان تزارهای روس و دولتهای پیشین ایران را به اطلاع مقامات تهران برساند.

سال 1297

جنوب ایران تحت نام «پلیس جنوب» بوجود آورد. در آن زمان نیروی قشقایی به کمک ژاندارمری و حمایت سفارت آلمان به تدریج استان فارس را به تصرف خود درآورده بودند. پلیس جنوب سرانجام در ماه اسفند با نام اختصاری «S.P.R» شکل گرفت. همزمان با آن نظامیان روسیه تا اصفهان پیشروی کردند و این شهر را نیز به اشغال خود درآوردند.

حوادث سال 1295

دولت سپهسالار اعظم در اوج درماندگی در برابر تهاجم قوای روس و انگلیس به شهرهای کشور در اردیبهشت این سال در ازاء دریافت 200 هزار تومان در ماه از دولت انگلیس، موافقت کرد اداره امور مالی کشور و کنترل قشون ایران به آنها سپرده شود. دولت همچنین با درخواست مسکو و لندن برای تشکیل نیروی قزاق در شمال و پلیس جنوب موافقت کرد. در سایه این توافقها ژاندارمری منحل گردید و کلیه افسران سوئدی و ایرانی آن که به طرفداری از آلمان شهرت داشتند برکنار شدند و برای حفاظت راهها نیروی مرکب از سه هزار نفر از بقایای ژاندارمها به نام «امنیه» تشکیل گردید. از این تاریخ اوضاع سیاسی ایران به نفع متفقین تغییر کرد. این توافقه و تصمیمات در شرائطی صورت گرفت که نیروهای عثمانی در ماه مرداد، از مرزهای غربی وارد کشور شدند و ابتدا همدان و سپس قزوین را به تصرف خود درآوردند. در برابر این مشکلات، سپهسالار اعظم سقوط کرد و وثوق‌الدوله مأمور تشکیل کابینه شد. به واقع انگلیسی‌ها نه در قید مشروطه ایران بودند و نه خود را مقید و مکلف به حمایت از این نظام سیاسی می‌دانستند. تنها چیزی که برای آنان اهمیت داشت، مهار روسیه و مات کردن آن در شطرنج سیاست ایران بود. با مشروطه این نیت عملی شد و انگلیس در دوره نخست مشروطه به منظور حفظ هندوستان، و در دوره دوم به منظور حفظ سیطره خود بر منابع نفتی ایران از بحران‌سازی و هرج و مرج در کشور حمایت کرد. برای انگلیس وضعیت مطلوب در مورد ایران از دو حال خارج نبود: یا هرج و مرج و یا استقرار دولت دست‌نشانده. وقتی هم روسیه تزاری از بین رفت، دیگر نیازی به هرج و مرج نبود و باید دولتی وابسته، منافع امپراتوری را تضمین می‌کرد و این هم با استقرار سلطنت پهلوی به نتیجه رسید. از دیگر

آمد. امضای پیمان ۱۹۱۹ میان وثوق‌الدوله و «سرپرسی کاکس» وزیر مختار انگلستان و سپس ورود فرستادگان نظامی و مالی انگلیس برای اداره ارتش و امور مالی ایران از دیگر رویدادهای مهم سال ۱۲۹۸ بود.

این قرارداد در ۱۸ مرداد ۱۲۹۸ و در شرایطی که احمد شاه قاجار در آخرین ماههای حکومت خود فاقد هرگونه نفوذ سیاسی در کشور بود و سلسله قاجار در آستانه انقراض قرار داشت، با نخست‌وزیر وقت ایران - وثوق‌الدوله - به امضاء رسید. به موجب ایران قرارداد کلیه تشکیلات نظامی و مالی ایران تحت نظارت انگلیسی‌ها قرار می‌گرفت و امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه ایران نیز به آنها واگذار می‌شد. پس از امضای این قرارداد، بین وثوق‌الدوله و «سرپرسی کاکس» وزیر مختار انگلیس، که خبر آن محرمانه نگاه داشته شده بود، انگلیسی‌ها منتظر تصویب قرارداد از طرف مجلس ایران نمانده و یک هیأت نظامی به ریاست ژنرال «دیکسون» و یک هیأت مالی به ریاست «آرمیتاژ اسمیت» برای تشکیل سازمان جدید ارتش ایران و اداره امور مالی کشور به ایران فرستادند.

قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را عملاً تحت الحمایه انگلستان قرار می‌داد با مخالفت شدید افکار عمومی مواجه شد و به تصویب مجلس نرسید. حتی احمد شاه قاجار نیز تحت تأثیر مخالفت‌های گسترده مردم، حاضر نشد این قرارداد را تأیید کند. وثوق‌الدوله با فشار افکار عمومی در چهارم تیر ۱۲۹۹ استعفا داد و مشیرالدوله - جانشین وی - قرارداد را لغو و عذر مستشاران انگلیسی را خواست. گفته می‌شود وقتی وثوق‌الدوله این قرارداد را به مجلس چهارم که به تازگی تشکیل شده بود برد، لنین رهبر انقلاب بلشویکی گفت: «انگلیس، ایران را اسیر کرد» این پیمان که خشم آمریکا و روسیه را به همراه داشت اداره امور مالی و نظامی ایران را به طور کامل تحت فرمان مستشاران انگلیسی در می‌آورد. این اعلامیه با مخالفت گسترده رجال سیاسی، طیفی از نمایندگان متعهد مجلس از جمله مرحوم مدرس و مردم مواجه گردید. حتی «جامعه ملل» نیز حاضر نشد آن را به رسمیت بشناسد. در چنین شرایطی احمد شاه قاجار ایران را به قصد اروپا ترک گفت و در بیش از نیمی از سال در کشور حضور نداشت. در آخرین روز آذر این سال ایران به جامعه ملل پیوست.

با اوجگیری درگیریهای نظامیان انگلیس با مردم در نواحی جنوبی کشور، در خرداد این سال روحانیون فارس، مردم را به قیام علیه قوای انگلیس دعوت کردند. این دعوت متعاقب صدور فرمان جهاد علیه قوای انگلیس از سوی آیت‌الله سید عبدالحسین لاری از علما و مراجع برجسته عصر مشروطه صورت گرفت. او در این فتوا نیروهای انگلیسی را «کفار حربی» خواند و جهاد با آنان را واجب دانست و تأکید کرد که «هر که از جهاد روی برتابد مردود جامعه ایرانی است و زن در خانه بر او حرام خواهد شد و هرکس در این جنگ کشته شود شهید خواهد بود. این فتوی سبب قیام صولت‌الدوله قشقایی و اتحاد وی با ناصر دیوان کازرونی و بسیج ۶ هزار مجاهد علیه انگلیس گردید. این اتحاد اگر چه در مراحل اول با پیروزی مجاهدین بر قوای انگلیسی در شهرهای جنوبی کشور همراه بود، ولی تلاش انگلستان برای ایجاد شکاف میان دو نیروی متحد از یکسو و در میان قشقایی‌ها از جانب دیگر قوای آنان را تجزیه کرد و مانع از شکست انگلیسی‌ها در جنوب شد. انگلیسی‌ها در خرداد ماه ۱۲۹۷ نیروهای خود را به انزلی و رشت اعزام کردند و با تقویت تدریجی قوای خود، در ماه مرداد با قوای تحت فرمان میرزا کوچک‌خان جنگلی درگیر شدند و آنان را از رشت بیرون راندند. از دیگر رویدادهای این سال، محاکمه و مجازات اعضای کمیته مجازات بود. کمیته‌ای که در شهریور ۱۲۹۵ تشکیل شده بود. از جمله رویدادهای مهم این سال اعلام پایان رسمی جنگ اول جهانی توسط سفارتخانه‌های متفقین بود. در پی این اعلام دولت عثمانی به وثوق‌الدوله نخست‌وزیر اطلاع داد قشون کشورش را به طور کامل از ایران خارج کرده است. دولت انگلیس فرماندهی پلیس جنوب را به دولت ایران واگذار کرد و دولت جدید بلشویکی بخش عمده نظامیان روس را از ایران خارج کرد. تنها عده قلبی از نظامیان روس که به نیروهای ضد انقلاب - روس‌های سفید - معروف شده بودند، در ایران باقی ماندند.

حوادث سال ۱۲۹۸

در این سال از یکسو تیمور تاش حکمران گیلان شد و به جان نهضت جنگل افتاد و از جانب دیگر قزاق‌های مسلح وارد گیلان شدند تا رشت را از وجود جنگلی‌ها پاک سازند. در این سال صدمات شدیدی به نهضت میرزا کوچک‌خان جنگلی وارد

حوادث سال 1299

مشیرالدوله در ماه آبان و به قدرت رسیدن دولت سپهدار رشتی و تسلیم این دولت در برابر فشار انگلیسی‌ها و سپس اخراج استاروسلسکی فرمانده روسی قزاق‌ها و بسیاری دیگر از صاحب‌منصبان روسی از ایران شد. در همین ماه بود که آبرونساید در بازدید از اردوگاه قزاق‌ها در قزوین، جسارت و توانائی رضاخان پهلوی را مورد تمجید قرار داد. در ماه آذر دولت انگلیس در یادداشت شدید‌الحنی به دولت ایران خواستار واگذاری مسئولیت فرماندهی قزاق‌ها به افسران انگلیسی شد. در ماه دی شاهد مرگ آیت‌الله سید محمد طباطبایی از رهبران روحانی قیام مشروطه و همچنین استعفای سپهدار اعظم رشتی از مقام رئیس‌الوزرائی کشور بودیم. در پی این استعفا میرزا حسین‌خان مستوفی‌الممالک و سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله نیز دعوت احمدشاه قاجار برای تشکیل کابینه را به علت مشکلات سیاسی کشور رد کردند. در نتیجه در ماه بهمن سپهدار اعظم رشتی به درخواست عده زیادی از نمایندگان مجلس مجدداً به رئیس‌الوزرائی منصوب شد. در این ماه ژنرال آبرونساید انگلیسی حمایت خود را از قدرت گرفتن رضاخان در کشور اعلام کرد. این حمایت در اسفندماه سبب حرکت قوای قزاق از قزوین به سمت کرج و تهران و وقوع کودتای نظامی رضاخان شد. رضاخان با تصرف کلانتریها، وزارتخانه‌ها و اماکن دولتی، دولت سپهدار اعظم را برانداخت و حکم رئیس‌الوزرائی سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد را از احمد شاه قاجار گرفت. او با برقراری حکومت نظامی در سراسر کشور و براه انداختن موج بی‌سابقه‌ای از بازداشتها و سرکوب مخالفین و در غیاب مجلس آخرین تیر را بر پیکر نیمه‌جان مشروطیتی که جز نامی از آن باقی نمانده بود، شلیک کرد. آغاز حکومت رضاخان مرگ قطعی مشروطیت بود.

سال 1299 پر حادثه‌ترین سال در مقطع 15 ساله مورد نظر محسوب می‌شود. در فروردین این سال قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز آغاز و منجر به تصرف این شهر گردید. در ماه اردیبهشت شهر انزلی شاهد جنگهای خونین بلشویکها با روسهای سفید و حامیان انگلیسی آنها بود. در ماه خرداد میرزا کوچک‌خان جنگلی با اعلام جمهوری در رشت، این شهر را به تصرف خود درآورده و آن را پایگاه خود ساخت. انگلیسی‌ها از طریق وثوق‌الدوله خیلی سعی کردند تا قیام جنگل را با مذاکره و بدون خشونت حل و فصل کنند. اما این تلاشها سودی نبخشید. در آخرین روز خرداد این سال حزب کمونیست ایران در بندر انزلی اعلام موجودیت کرد. در ماه تیر از یکسو قیام اسلامی مرم عراق به رهبری آیت‌الله میرزای شیرازی به وقوع پیوست و از جانب دیگر شاهد سقوط کابینه وثوق‌الدوله و اخراج خانواده سلطنتی از تبریز توسط حامیان شیخ محمد خیابانی بود. در ماه مرداد جنگهای خونین میان قزاق‌ها و انقلابیون جنگل درگیلان و مازندران به وقوع پیوست و در ماه شهریور شیخ محمد خیابانی توسط قزاق‌ها به شهادت رسید. شیخ محمدخیابانی از روحانیون برجسته تبریز و امام جماعت این شهر بود و مرگ وی را نیز باید در فهرست ترورهای هدمند و برنامه‌ریزی شده‌ای به حساب آورد که در سالهای میان جنبش مشروطیت تا کودتای رضاخان، از جانب دولتهای وابسته به بیگانه و یا عوامل آنها طراحی شده و یک یک چهره‌های مؤمن و مؤثر در نهضت مردم را هدف قرار داده بود.

در ماه مهر با خروج نظامیان روسی از نواحی شمالی ایران ژنرال آبرونساید انگلیسی به سمت نواحی شمالی به حرکت درآمد و برای برکناری فرمانده روسی قزاق‌ها دولت مشیرالدوله را تحت فشار قرار داد. این تهدید سبب استعفای

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری

معلم نیک خاطره لری...

او زمان عمومی یوخسوللوق وار ایدی. آز - چوخ ایل ده بیر یول تازا باشماق گنیردیک؛ اودا بایرام گونلری. البته بایرام آخشامی پیلوودا ینبیردیک. او گون لر هنج یادیمدان چیخماز دنیبرلر آدم یاشا دولوقجا، خاطره لری ده جوانلاشیر. منیم یادداشیم انله اوشاقلیقدان یاخشی اولوبدور. ایندی ده کی ۸۰ یاشیم وار او گون لر بوتون جزئیاتی لا یادیمدایر، لاپ او طیاره لر کی ایکیچی دونیا محاربه سینده باشیمیزین اوستوندن اوچوردولار انله بیل گوزومون قاباغیندادی.

بیرینجی کلاسی ملی حوکومت دورونده اوخودوم. درس لری آنا دیلینده اوخویوردوق. مدرسه میزین آدی «منیزه مدرسه سی» ایدی. ایندی ده بیرینجی کلاس کارنامه م قالیر. تاپا بیلسم سیزه گورسه درم. سحرلر دوامیز بو ایدی. بیزی یوخدان یارادان تانریمیز سن بیزه لوطفون له عنایت انله... ایکیچی کلاسین باشلانیشیندا دا صابرین شعرین اوخویوردوق: پاییز اولوب اسدی سویوق کولکلر/ سولدو داغدا، چمن ده گول چیچک لر/ قوشلار اوچوب دسته- دسته گنیرلر/ ایستی یتره کوچوب قیشلاق اندیرلر. سونرا «همام» مدرسه سینه گتدیم. دبیرستانی دا «منصور» دا اوخودوم. بو منصور مدرسه سینده مرحوم «غلامحسین ساعدی» ده اوخویوردو. من دوقوزو قورتاراندا سونرا داها یوخسوللوق دان تحصیلمه ادامه وئر بیلمه دیم. گتدیم پیمانی معلم اولدم. دیلمودا سونرالار دانشرانین متفرقه امتحانیندان کچیب، الهه انتدیم. ۱۳۳۵-۱۳۳۴- ده «کاغذکنان» ماحالینین «قره بولاق» کندینده معلم اولدم. انله بو کنددن باشلانندی معلم لیگیم.

او زمان کندلرین وضعیتتی هر جهت دن آجیناقلی ایدی. یوخسوللوق بیداد انلیردی؛ بهداشت پیس وضعیتده ایدی و یوخاری باشی خزینه حامام لاری اولاردی. دئمک کی بو قره بولاق کندینده عملا هنج زاد یوخدو. معلم لره ده آلتی آیدان بیر حقوق وئریدیلر. تبریز- تهراین یولودا داش تورپاق ایدی. استثنایی بیر حال دا اتوبوس گلردی. جاده ده چوخلو نفت تانکری و یا یوک ماشین لاری اولاردی. کنده برق ده کی یوخ ایدی. قره بولاق دا درس وئریدیم مدرسه نین آدی «اخگر» ایدی. بیرینجی و ایکیچی کلاس مختلط ایدی و گنجه ده «اکابر» درس وئریدیم. دئمک هم معلم ایدیم. هم مدیر ایدیم، هم ناظم ایدیم، اوچ آی دا «بابا» ایدیم. درس وئریدیم بیر چوخ زمان لار قوردلار مدرسه نین حیطینده میدان اوخیاردیلار و گوزلری پاریاردی.

آنجا بونلارا باخمایاراق بویوک هوسله درس وئریدیم و اوشاق لارلا دا آرام چوخ سازیدی.

بیر ده گوروردون «بازرس» گلیب. آت دان، قاطریدان تاپیب، نه جور اولوبسا اوزون ینبیریب دی کنده. اولین بخشنامه کی قویاردی میزین اوستونه بو ایدی «هر کیم تورکو دانشسا جریمه انله» من دئیردیم: «آخی، بو اوشاق هله آنا دیلینی یئرلی یاتاقلی بیلیمیر؛ بونون گلیب بنینینه نه دنییم من؟ هنج بو مسئله نی گورمیرلر؟» مجبور اولوردوم درسی یاخشی آنلاماق اوچون اوشاق لارا مطلب لری چینییم و یندیردیم. اوشاغین دا گوناھی یوخ ایدی. بیردن قولقلارینا انله بیر سوزلر دبیردی کی عمرونده انشیتمه میشدی. نهایت بیر یول تاپدیم. اودا بو ایدی کی مفهوم لاری جمله نین ایچینده معنی انلیردیم و اونلاری اوز دیلرینده باشا سالیردیم.

قره بولاقدا اولارکن حقوقوم لا ۱۲ تومنه بیر تار آلدیم؛ اما کیم اورگه ده جک؟ اوزوم باشلادیم اورگشمه گه. آرزوم بو ایدی که بیلن یانیندا چالام و انتقاد انله سین مندن. بو صنعت منیم بو گونکو گونه دک آیریلماز یولداشیم اولدو. ۸۰ یاشیندا دا تاری باغریما باشماغی هنج وخت اونوتمورام. قره بولاقدا بیر ایل یاریم قالدیم. سونرا بویوک قارداشیم منی منتقل انله دی آذرشهره. ۱۳۳۵ جی ایل ده گلیم آذرشهره و اوردان بیر باشا یوللادیلار مفاقانا. گتدیم مفاقانا «دبستان عنصری مقان» آلتی کلاسه ایدی. من ایکیچی کلاسا درس دئیردیم. صمد بهرنگی اوچونجو، کاظم سعادتی دوردونجو و بهروز دهقانی بشینجی کلاسا. او زمان بیر نمایشنامه یازدیم «قمارباز» آیدنا. کربورداد میز دوزدولر؛ آذرشهردن دعوت انله دیلر. بازیگرلر بهروز ایدی. صمد ایدی و...

مقاندا اوشاق لار آلتینجی کلاسی قوتاراندا سونرا یا ژاندارم اولوردولار؛ یا آجان. آذرشهرده آدم لاری اولان دا بیر چوخ چتینلیک دن گنچندن سونرا دیلم آلا بیلیردیلر. بو بیزی همیشه دوشوندوروردو. صمد «اولیای اطفال» ین مسئولو ایدی. بیر گون اونا دندیم کی گلین یئرلی معلم لره مطرح انییک بوردا بیر دبیرستان دوزلسین، اوزوموزده کومک انلییک. حاج شیخ مغانی ایله ده دانشساق؛ اودا جاماعاتلا مطرح انله سین، بلکه اوشاق لار دوقوزا قدر بوردا اوخوسونلار. شیخ ین اوغلو منیم شاگردیم ایدی. گلدییک مطرح انله دیک. دندیک سبز مغانلی سبز، بیز گنده نیک. بو مدرسه نین دوزلمه سی سیزین اوشاق لارین

قارداشیم ایدی. دندیم: من تار زدم از دیوار مردم که بالا نرفتم.» منی قوبدولار بیر پیکانا آپاردیلار ساواکا. تیمسار سلیمی رئیس ساواک ایدی. منی آپاردیلار بازجوئی یه. کوتک ووردولار، دندیلر سنی دانشگاه کیم دعوت انله بیب: «من تارزن دنیلم کی. من معلم.» یئنه ده کوتک ووردولار، سونرا تعهد آلدیلار کی بیر یئرده تار چالمایم. او قضیه دن سونرا منیم علیهمه بویوک بیر فیرتینا یاراتدیلار. ساواک باشلادی هر بهانه ایله اذیت انله مه یه. نتیجه سی بو اولدو کی من تبریزدن قاچدیم تهرانا. قارداشیمین واسطه سی له استاد شهریاردان وزیره بیر توصیه نامه آلدیق و بو توصیه ایله تهراندا یئنه ده معلم اولدم.

تهراندا پاچناردا منی بیر مدرسه یه گوندریلر «دبستان مرتضوی» آدینا. اوردان سونرا ۲۹- جو ایل ده «دبستان مفید» آدینا باشقا بیر مدرسه یه گوندریلر. سونرا خیابان سنایی ده ارمی بیر مدرسه یه گوندریلر. خلاصه بیر مدرسه ده چوخ قوبوردولار قالام. بو ایللرده معلم چیلیکه برابر «تریکو ساترال» دا، «کانون پرورش فکری کودکان» دا ایشلیردیم. تریکو ساترال دا «احمد برادران» و «گنجعلی صباحی» له بیر یئرده ایشله یردیم. کانون پرورش فکری ده بیر چوخ روشنفکر و شاه رژیمی نین علیهمه مبارزه انله یین آدمالارلا دوستلوغوم وار ایدی. نهایت ۲۹- جو ایلین آخیرینده شاه رژیمی نین علیهمه فعالیت لریمه خاطر توتولوب، زندانا دوشدوم. زنداندان چیخاندان سونرا اداره طرفیندن قشالار باشلاندی. من اولدوم توپ، حفاظت اولدو فوتبالیست. بو مدرسه دن او مدرسه یه. بو منطقه دن او منطقه یه. اینجیتیمک اوچون بنش آلتی یئره منه ابلاغ وئردیلر. نامه یازیردیلار مدیرلره کی گوزله بین بو معلم شاگردلرله ارتباطدا اولماسین. آخیرده منه داها معلم لیک وئرمه دیلر و اداری کارمند کیمی ایشله ملی اولدم. اون دورونجو ناحیه نین آمار و بودجه قسمتینه کارمند وئردیلر!

اورادا او قدر منی انجیتدیلر کی بیر گون ساواشیم دندیم: نیبه منیم آموزش حوکومو اداری انله بیب سیز؟ من هارا آمار بودجه هارا؟ بیر نچه گوندن سونرا اوراداکی همکارلاریمین بیرری منه خبر وئردی کی: واختیندان تئز بازنشسته لیک حوکمون گلیب! انله بیل آنادان بیرده دوغولدم... گنتدیم کارمندلرین بیرینین اتاقینا. دندی: سنه بتر بیر ایش گورموشم. تبصره ۷۴ اساسیندا ۳۰ گون له بازشت اولاجاسان.

نهایت ۲۰ ایل معلم لیک دن سونرا واختیندان تئز بازشت اولدم. بیر من قالدیم، بیرده غمخواریم تاریم.

منبع: مجله ایشیق

خئیرینه دی. بالآخره قبول انله دیلر. بیر خیرخواه آدامین دایئری وار ایدی. یادیمدادی همن یئرده بیر جمعه گونو کاظم سعادتی اورانین کولونگین ویردی و باشلادیلار ایشه. اوشاق لار مدرسه نین بینوره داش لارینی بیغیب گنیریدیلر، بیز ده بینوره نی قازیردیق؛ باشلادیق ایشه. بیر مدت دن سونرا بیز منتقل اولدوق و سونرالار اهالی ایشی قورتاردی. اورانین آدین «دبیرستان سعدی» قوبدولار.

بیزی مقاندان داغیتدیلار. صمده یئرسیز اتهام لار ویردیلار و «قاضی جهان» - وئردیلر. اورادا دا قویمادیلار، تبعید انله دیلر «شیرامین» - من آذرشهرده «دبستان بیژن» گنتدیم؛ بهروزی «دبیرستان رضا شاه» - وئردیلر. بیزی داغیتماقدا رئیس فرهنگ و دارو دسته سی هرایش گوروردولر. آدی «دانش دوست» ایدی و بیزده آدین قویموشدوق «پاپوش دوز». ۴۲ - جی ایل گلدیم «شاه حسین ولی» مدرسه سینه. اوردان دا منی وئردیلر «خیابانی» مدرسه سینه. بو مدرسه ده صمدین کتاب لارین شاگردلره وئردیم. او واخت صمدین ناغیل لاری کتاب شکلینده چیخیمیشدی و هوس له اوخونوردو. سونرا ۱۳۴۶- جی ایل ده یولادیلار «شیخ عطار» مدرسه سینه. بو مدرسه لریمین دیشمه سی معلم لیگیمین آخیر ایللرینه دک دوام تاپدی. بیر مدرسه ده چوخ قوبوردولار قالام.

بو ایل لرده معلم لر درس دئمک له یاناشی آذربایجان موسیقیسی له، شفاهی ادبیاتی لا چوخ ماراقلانیردیلار. تقریبین اکثر معلم لر کی کنده گنیردیلر اورادا اولان مثل لری، ناغیل لاری و یاشلی آدمالارین دانیشیق لارین و روایت لرین ائشیدیب کاغذ اوستونه گنیریدیلر. آنجاق بو ایشی هامیدان منظم و آردیجیل صمد و بهروز گوروردو. البته کاظمین دا اونلارا چوخ کومگی کنچیردی. بو مثل لر و قوشمالاری کی بیغیمیشدی ۴۵ - جی ایل ده کتاب شکلینده چاپ اولدو. شمس چاپ انله میشدی. صمدین و بهروزون آذربایجان موسیقیسینه ده چوخ علاقه لری وار ایدی. بیز چوخ زامان باهم اولدوغوموزا گوره موغام لاری، دستگاه لاری من اونلارا دئییردیم و بو دستگاه لاری تاردا چالیردیم.

۱۳۴۷- ده منی موسیقی ایفاسی اوچون دعوت انله دیلر تبریز دانشگاهینا. گنتدیم و تاردا چوخ بدیع و ابتکاری اجرا لاریم اولدو. او برنامه دن سونرا شیخ عطار مدرسه سی نین مدیری آقای انصافی منی چاغیردی و دندی کی مدیرکل نچه دفعه زنگ ووروب سنی ایستیر. گنتدیم. اول ده چوخ حورمته قارشیلادیلار، اما سونرا تاپشیردیلار «میرزا آقاسی» آدینا بیر بازرسه. دندی: «توتارزدی یا شهرروبههم زدی؟ عزیز خبرداره؟» عزیز بویوک

بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی...

گردند. ترس خورده و شتاب آلوده از بند بیرون می روند. دیری نمی باید که گله گرگان باز می آیند و...

میدان تیر، چهل تن گرد گردنفرز، در حلقه محاصره اند. از همه سو مسلسل ها، جمع را نشانه گرفته اند. تفنگداران از هر حرکت اسیران برخورد می لرزند. چنین حماسه ای را حتی در خواب هم نمی توانستند ببینند. فرمانده آتش، فرمان زدن چشم بند به اسیران را صادر می کند. غافل از آن که فرزندان خلق وقتی پایشان بدین میدان می رسد، خود فرمانده اند، نه فرمانبر. چهل دهان خروشان بانگ بر می دارد: "ما چشم بند نمی خواهیم. ما می خواهیم دست های لرزان قاتلان خود را با چشم باز ببینیم. آنگاه فضای میدان تیر، در غوغای خجسته و پر شکوه سرود خوانی، فرو می رود.

بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی!

بر فکن از پی نظام استبدادی! فرمانده آتش به گلوله آتشی تبدیل می شود. از خشم می لرزد. دندان هایش را بر هم می فشرد. چهره خون دویده و چشم های دریده اش، به او سر و سیمایی غیر انسانی می بخشد. بیشتر به جانور درنده زخم خورده می ماند تا انسان، از اینکه نعره های فرمان آتش در خروش سرود اسیران گم می شود، دیوانه وار به هر سو دویدن آغاز می کند تا سرانجام بتواند فرمان آتش را به همه تفنگداران برساند.

دیگر غشغشه شلیک تفنگ ها و رگبار مسلسل هاست و غرق شدن صداها در خون. چهل پیکر پاک بر سینه، بر خاک می افتند... بی شک نسیم، صدای سرود آنها را با خود همه جا خواهد برد... گوش هایی را نوازش خواهد داد و خواب هایی را آشفته خواهد کرد، و نسلی را به گام گذاردن در جاده رزم هستی ساز و پستی سوز، رهنمون خواهد شد تا بذر خون در شیار اندیشه ها جوانه بزند و خلق ستم دیده را از جای بر کند

گرفته شده از نامه مردم سال 68

صدای لرزان و تهی از احساس و عاطفه یکی از چکمه پوشان، با خواندن چند نام، خاموشی حاکم را چون جامی بلور می شکند - اینها راه بیافتند!

بغضی و خشم، گلوی بند را می فشرد. خون به قلب ها هجوم می آورد. همه می بینند تیغی می خواهد پیوندها را ببرد. در صدف وجود یاران همراه، عشق و دوستی ترانه می خواند و در افق نگاهشان، خورشید در خون فرو می نشیند، در فراسوی نامها و سپیده های خونین قیام، خوبی ها و خاطره ها بیداد می کند. پس از رژه نگاه نوازشخواه کودکان و چشمان نگران مادران و دهان های گرسنه و نانخواه و تب دار فرزندان رنج، خون در رگ هایشان به جوش می آید. و احساس پاکشان هیجانی شورانگیز می یابد. اینک همه چیز از خون و پایداری در برابر پلشتی ها رنگ می گیرد: عشق به زندگی و زندگان، عشق به پاکی و پویندگی، عشق به بالندگی و رستگاری انسان و شور کردن فرازی و بر سر پیمان بودن با یاران... آری این عشق و شور پر شکوه باید از خود، استعداد بی کران زاینده را به نمایش بگذارد. زمزمه ای چون نسیم، در بین چهل توده ای حاضر در بند، می گذرد. دست ها به سوی یکدیگر دراز می شود. بازوها در هم گره می خورد: جوش خوردگی زنجیره دست های پولادین. کوره همبستگی و رفاقت و کینه جویی و دشمنی به خصم، زره بی خللی را، بر قامت پهلوانان توده ای می کند. فریادی سکوت را می شکند - ما نمی گذاریم ما را چند تا چند تا اعدام کنید! ما می خواهیم با هم بمیریم. حال سرود است که عطر یاس اندیشه ها را در فضا شناور می سازد و ارواح را به عروج می فرستد... و حال چکمه پوشانند که در مانده از دیدن، عظمت معجزات روح مقدس و طبع نیک، بخود می پیچند. در این هنگامه، نگاهی کافی است تا بدانند آنها را یارای آن نیست که زنجیر دستها را از هم پاره کنند و برای این نوبت، چند کیوتر را به دندان بگیرند و خشنود از انجام ماموریت به بیقرارگاه خود باز

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

نظام حقوقی دریای خزر و پیچیدگی های آن دکتر محمد حسین یحیایی

های خود را برای آینده دور و نزدیک انجام دهند. سال ها ایران و روسیه به قرارداد های گذشته اشاره کردند ولی شرایط دیگری بر منطقه و جهان حاکم شده بود در نتیجه فدراسیون روسیه با قبول شرایط به قرارداد های دو جانبه و سه جانبه با قزاقستان و ترکمنستان روی آورد تا در برخی از کنسرسیوم های نفتی و لوله های انتقال آن مشارکت داشته باشد. در سال های نخست برای جلب شرکت های نفتی حجم و ذخائر نفت و گاز آن بصورت مبالغه آمیزی بیشتر از میزان واقعی اعلام شد ولی با گذشت زمان ارقام واقعی خود را نشان داد که اینک ذخیره تثبیت شده نفت 50 میلیارد بشکه و گاز طبیعی 9 تریلیون متر مکعب است. این همه منابع سرشار نفت و گاز و بهره برداری برخی از کشور های ساحلی از آن و ناتوانی ایران از استخراج نفت و گاز (بیشتر بعلت شرایط جغرافیایی و عمق بیشتر آن در مناطق ساحلی ایران) تنش و پیچیدگی نظام حقوقی دریا را افزون تر کرد. در نتیجه مذاکرات پیرامون نظام حقوقی دریای خزر از سال های 1996 آغاز شد و سال های طولانی ادامه یافت. ایران در همه این مدت به قرارداد های 1921 و 40 اشاره می کرد و خط فرضی از بند آستارا تا خلیج حسین قلی را مرز آبی خود می شناخت که مورد قبول دیگر کشور ها بویژه جمهوری آذربایجان و ترکمنستان قرار نمی گرفت. در این مدت کارشناسان، وزرای خارجه 5 کشور بارها باهم دیدار کردند تا زمینه دیدار و اجلاس سران 5 کشور را فراهم کنند.

اولین اجلاس سران در سال 1381 خورشیدی در عشق آباد ترکمنستان برگزار شد و بی نتیجه پایان یافت. دومین نشست در تهران در سال 1386 برگزار شد که دستاورد اندکی داشت و پیرامون شیلات، ممنوعیت صید خاویار به مدت 5 سال، حفظ محیط زیست دریا، حق کشتیرانی، عدم بهره گیری و کاربرد نظامی علیه یکدیگر گفتگو شد، نشست بعدی در سال 1389 در باکو برگزار شد که کشور های ساحلی محدوده انحصاری خود را از 10 مایل دریایی به 25 مایل افزایش دادند. چهارمین نشست با شرکت پوتین، روحانی، نظربایف، بردی محمداوف و الهام علی اوف در 29 سپتامبر 2014 در آسترخان روسیه برپا شد که جمع بندی نشست های پیشین بود و کشور های ساحلی را به هم نزدیک تر کرد. پنجمین آخرین نشست سران در روز یکشنبه 21 مرداد ماه 1397 (12 آگوست 2018) در شهر آق تاو قزاقستان برقرار شد که در آن سران 5 کشور ساحلی کنوانسیون دریای خزر را امضاء کردند و

دریای خزر جایگاه ویژه ای در تاریخ سیاسی، ارتباطی و اقتصادی منطقه و ایران دارد. این دریا با قرارداد « ترکمنچای » که بعد از شکست ایران در جنگ های طولانی با روسیه تزاری (فوریه 1828) منعقد شد عملا در اختیار روسیه تزاری قرار گرفت تا زمینه قرارداد های تحمیلی تجاری و سیاسی از سوی روسیه تزاری فراهم شود. با انقلاب اکتبر برخی از این قرار داد ها که ظالمانه نامیده می شد از سوی رژیم جدید (شوروی) که برآمده از انقلاب بود ملغی شد و در سال 1921 با عهدنامه « مودت و دوستی »، دریای خزر مورد استفاده مشترک دو کشور قرار گرفت. با آغاز جنگ دوم جهانی بار دیگر دریای خزر بویژه منابع نفتی باکو مورد توجه همگان قرار گرفت که قادر به تعیین سرنوشت جنگ بود، از یک سو هیتلر از آغاز جنگ در فکر دستیابی به آن منابع عظیم و سرنوشت ساز بود و از دیگر سو اتحاد شوروی با همه توان نظامی و سیاسی در فکر دفاع از آن بود که به دست دشمن نیافتد. در سال 1940 قرارداد بازرگانی دیگری بین ایران و اتحاد شوروی منعقد شد که در آن دریای خزر، دریای مشترک بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی خوانده شد (ماده 13 از قرارداد) ، ولی در هر دو قرارداد 1921 و 40 به شوروی ها اجازه داده می شد که در صورت احساس خطر اجازه دخالت در خاک ایران را دارند، هر چند ایران در همان زمان به طور رسمی طی یادداشتی به این بند اعتراض کرده بود و بعد از انقلاب نیز این اعتراض تکرار شد.

دریای خزر مساحتی بالغ بر 376 هزار کیلومتر مربع دارد و 28 متر پائین تر از دریاهای آزاد است، با فروپاشی اتحاد شوروی و خارج شدن جمهوری ها از ترکیب آن شرایط جدیدی از نظر حقوقی و جغرافیای سیاسی بر آن حاکم شد. سه کشور جدید، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان در پیرامون آن قرار گرفتند و با هیجان سال های نخست استقلال روابط نزدیکی با اروپا و ایالات متحده آمریکا برقرار کردند. طول ساحل این کشور ها (فدراسیون روسیه 695، جمهوری آذربایجان 850، ایران 900، ترکمنستان 1200 و قزاقستان 2330 کیلومتر) در استفاده از سطح، بستر و زیر بستر آن را مناقشه برانگیز کرد، تا جائیکه کشور های ساحلی با توجه به طول ساحل خواستار حق و حقوق بیشتر شدند و به بهره برداری از منابع آن پرداختند. در این میان پای شرکت های بزرگ نفتی به منطقه باز شد تا میزان ذخائر آن را ارزیابی کرده و زمینه انتقال آن را به بازار های اروپایی فراهم آورند و سرمایه گذاری

مشخص می کند، در بند یک از ماده ۷ به طرفین اجازه می دهد که آب های سرزمینی خود را تا ۱۵ مایل دریایی افزایش دهند ولی محدوده ماهیگیری ۱۰ مایل دریایی خواهد بود (برگرفته و خلاصه شده از سایت خبرگزاری فارس، ۲۱ مرداد ۱۳۹۷) این کنوانسیون پرسش های بیشماری را در رابطه با بهره برداری از بستر و زیر بستر که متعلق به ۵ کشور ساحلی است جواب نداده و جواب برخی از پرسش ها را به آینده موکول کرده است که می تواند ابهامات در روابط کشور های ساحلی بویژه کشور های هم مرز را افزایش دهد. هم اکنون ایران تنها کشوری است که قادر به بهره برداری از منابع نفتی و گازی دریای خزر نیست و دریا با بهره برداری از منابع نفت و گاز آن به شدت آلوده و تخریب می شود. هرچند در کنوانسیون قید شده است که کشور های ساحلی در حفظ محیط زیستی دریا تعهد دارند ولی آلودگی آن در این سال ها افزایش یافته است. بزرگترین دستاورد این کنوانسیون برای ایران و فدراسیون روسیه آن است که کشور های دیگر حق ورود به آن ندارند و نمی توانند پایگاه نظامی در آن تاسیس کنند، برخی از کشور های ساحلی سال ها در تلاش بودند که همراه با شرکت های بزرگ نفتی پای ناتو را به منطقه باز کنند.

با امضاء کنوانسیون دریای خزر از سوی سران ۵ کشور ساحلی، موج انتقاد ها از آن آغاز شد و تظاهراتی هم در مخالفت با آن در داخل و خارج از کشور برگزار شد که در برخی از آنها سخن از فروش و واگذاری حق ایران (گاهی تا ۵۰ درصد قید می شد) به روسیه مطرح شد و بمیان آمد که نشانگر بی اعتمادی مردم به رژیم حاکم بر ایران است. رژیم با پنهانکاری چندین ساله اش زمینه این بی اعتمادی را در سیاست داخلی و خارجی فراهم کرده و مهر خیانت بر پیشانی خود زده است، در حالی که این کنوانسیون به مراتب چندین ساله مذاکره پیرامون نظام حقوقی دریای خزر پایان داده، حق و حقوق کشور های ساحلی را مشخص کرده است. هر چند متن کنوانسیون از سوی فدراسیون روسیه تهیه شده ولی مورد قبول ۵ کشور ساحلی قرار گرفته است.

بعد از بیش از دو دهه به توافق رسیدند که باید این کنوانسیون و متن آن در مجالس و پارلمان های این کشور ها بررسی و به تصویب برسد تا قانونی شود.

متن کنوانسیون به زبان های ترکی آذربایجانی، فارسی، ترکی قزاقی، ترکی ترکمنی، روسی و انگلیسی نوشته و تنظیم شده، که کلیه متون دارای اعتبار یکسان است. کنوانسیون از ۲۴ ماده و تعداد بیشتری بند در هر ماده تهیه شده و در نهایت دریا، دریاچه نامیده شده تا تنها کشور های ساحلی در آن حضور داشته باشند. در ماده یک از کنوانسیون به آب های داخلی، آب های سرزمینی و منطقه پرداخته شده و آمده است که آب های داخلی از خطوط مبداء به سوی ساحل، آب های سرزمینی باریکه ای از دریا است که در حاکمیت کشور ساحلی است و منطقه ماهیگیری باریکه ای از دریاست که کشور ساحلی حق برداشت انحصاری منابع زنده آن را دارد. در بند ۲ از ماده ۲ کنوانسیون به حقوق و تعهدات طرف های کنوانسیون اشاره شده و آمده است که کنوانسیون استفاده از دریای خزر شامل آب، بستر، زیر بستر، منابع طبیعی آن و فضای هوایی بر فراز دریا را تعیین و تنظیم می کند.

در ماده ۳ بند یک احترام به حاکمیت کشور های ساحلی... عدم توسل به زور و تهدید، همکاری و عدم مداخله در امور یکدیگر قید شده و در بند ۲ استفاده از دریا برای مقاصد صلح آمیز و عدم حضور نیرو های مسلحی که به کشور کشور های ساحلی تعلق نداشته باشند. در بند ۷ از این ماده آمده است که کشور های ساحلی حق ندارند قلمرو خود را در اختیار دولت های دیگر قرار دهند تا زمینه ارتکاب تجاوز و سایر اقدامات نظامی علیه دیگر کشور هاس ساحلی فراهم شود. در بند ۱۰ از این ماده قید شده است که حق دسترسی آزاد از دریای خزر به سایر دریاها و اقیانوس های جهانی و بالعکس با در نظر گرفتن منافع مشروع طرف ترانزیت به منظور ارتقاء تجارت بین المللی و توسعه اقتصادی.

ماده ۵ از کنوانسیون منطقه آبی دریای خزر را به آب های داخلی، سرزمینی، مناطق ماهیگیری و پهنه دریایی مشترک تقسیم و